

فصلنامه

خانه موسیقی ایران

سال دوازدهم - شماره ۴۸ - زمستان ۱۴۰۱

- آغازی خوش بر پایانی تلخ!
- پیام‌های نوروزی
- نگاهی اجمالی به برگزاری آزمون دریافت کارت صلاحیت تدریس
- گفت‌وگو با مهدی کوهیان
- جواد یساری؛ مردی که تنها آرزویش خواندن است... در وطن...
- گفت‌وگو با حمید ذبیحی، سازنده و مخترع ساز
- درباره دومین کتاب خاطرات میلاد کیایی
- وداع با نوازنده برجسته نی
- آواز آن رفتگان بی برگشت...
- کانون منتخب خانه موسیقی در سال ۱۴۰۱ معرفی شد



فهرست

- آغازی خوش بر پایانی تلخ! / ۲
پیام‌های نوروزی / ۳
نگاهی اجمالی به برگزاری آزمون دریافت کارت صلاحیت تدریس / ۸
گفت‌وگو با مهدی کوهیان، عضو حقوقدان کمیته پیگیری آزادی هنرمندان بازداشت شده / ۹
فعالیت‌های کانون‌های خانه موسیقی ایران در سال ۱۴۰۱ / ۱۴
جواد یساری؛ مردی که تنها آرزویش خواندن است... در وطن... / ۱۶
استودیوهای خانگی / ۱۸
گفت و گو با حمید ذبیحی، سازنده و مخترع ساز / ۲۰
گفت و گو با علی فیروزه چی / ۲۲
درباره دومین کتاب خاطرات میلاد کیایی / ۲۳
وداع با نوازنده برجسته نی / ۲۴
آه از آن رفتگان بی برگشت... / ۲۵
اخبار موسیقی / ۳۰
کانون منتخب خانه موسیقی در سال ۱۴۰۱ معرفی شد / ۳۲

فصلنامه داخلی خانه موسیقی ایران

سال دوازدهم - شماره ۴۸ - زمستان ۱۴۰۱

سرمدبیر: حمیدرضا عاطفی

دبیر تحریریه: غزل نهانی

همکاران: اعضای هیئت مدیره کانون پژوهشگران

ویراستار: صبا بهداد

مدیر هنری: افشین ضیائیان

گرافیک و صفحه‌آرایی: لیلی اسکندربور

توزیع: سیدجواد موسوی‌زاده

خانه موسیقی شماره ۱: خیابان فاطمی غربی - نرسیده به جمالزاده - شماره ۲۷۰ - تلفن: ۶۶۹۱۷۷۱۱

خانه موسیقی شماره ۲: میدان فاطمی، ابتدای خیابان شهید گمنام، خیابان جهانمهر، نبش بوعلی سینای غربی - تلفن: ۶۶۴۸۲۰۷۴

www.iranmusic.ir

* دیدگاه نویسندگان فصلنامه الزاماً مبنی بر موضع رسمی نهاد خانه موسیقی نیست.



*حمیدرضا عاطفی

آغازی خوش بر پایانی تلخ!

برهای شیرین سال تلخ ۱۴۰۱ بود که باید به فال نیک گرفت. همچنین تصمیمات و مصوبات ارزشمندی که در سال گذشته اتخاذ و در سال جدید اجرایی خواهد شد خانه را یک گام به اهداف خود نزدیک می‌کند و قطعاً اجرایی شدن آن مصوبات بسیار تاثیرگذار و مهم خواهد بود.

یکی از آن تصمیمات، برگزاری آموزش آنلاین موسیقی به صورت سراسری و فرامرزی است. این آموزش در سطوح مختلف و با همکاری از تمامی مدرسان عضو خانه و دارای صلاحیت تدریس انجام خواهد شد.

این اتفاق با همکاری یکی از موسسات متخصص در حوزه آبی تی و زیرساخت‌های آموزش در فضای مجازی انجام می‌شود که اطلاعات آن به زودی منتشر خواهد شد.

موضوع مهم دیگر که تا حد زیادی مسائل و مشکلات سازندگان ساز را مرتفع خواهد کرد صدور گواهینامه‌های صلاحیت ساخت ساز است که با ساز و کاری بسیار دقیق و با همکاری جمعی از سازندگان پیشکسوت ساز و نوازندگان سازهای مختلف تهیه و تدوین شده و در پنج سطح به متقاضیان اعطا می‌شود.

بدون شک این گواهینامه‌ها بعد از بررسی دقیق پرونده متقاضیان ساز ساز صادر خواهد شد و دارای ارزش بسیار برای صاحبان گواهینامه خواهد بود.

به هر حال سالی تلخ را با اخباری خوش به پایان بردیم و امیدواریم در سال جدید با همکاری تک تک اعضای این نهاد، خانه‌ی اهل موسیقی را آباد کنیم و بتوانیم در راه اعتلای فرهنگی و هنر ملی کشورمان قدم‌های بلند برداریم.

* سردبیر

بهار آمد، سالی دیگر رفت و چه سال سختی... شکر و سپاس خدای را که این سال سخت به پایان رسید و امید و آرزو که دیگر شاهد چنین سالهای سخت و طاقت فرسایی نباشیم.

ذکر تلخی‌ها تلخی افزایش و همان به که به فراموشی سپاریم همه‌ی تلخ‌کامی‌ها و ناراستی‌ها را... و به اتفاقات خوب و شیرین بیندیشیم و درس‌های فراگرفته را مرور کنیم بلکه با عمل به آنها کارها به درستی برآید و گره‌ها باز شود.

در سال گذشته خانه موسیقی با درایت و سیاستگذاری درست که حاصل همفکری‌ها و دغدغه‌مندی تک تک اعضای هیئت مدیره و شورای عالی بود خوشبختانه از آزمون‌های مختلف سربلند بیرون آمد و توانست با اتکا به خرد جمعی و عقلانیت خود، با جامعه فرهنگی همسو بوده و به منافع ملی بیندیشد.

نشست‌های دوشنبه که از همان اوایل نآرامی‌ها و دستگیری برخی از هنرمندان برگزار شد روند رو به رشد و متعالی خود را طی کرد و در فضایی کاملاً آزاد که نمونه‌ی بارزی از تمرین دموکراسی بود دستاوردهای ارزشمندی برای خانه موسیقی و به طور کلی اهالی هنرموسیقی به دنبال داشت.

فضای گفتگو و تعامل و خردورزی و احترام به عقاید و نظرات متفاوت و هم‌اندیشی به منظور انتخاب بهترین راه حل و.. بهترین راهکاری بود که خانه موسیقی انتخاب کرد وای کاش این الگو و سرمشقی می‌شد برای اهالی سیاست که بدانند با گفتگو و تعامل می‌توان بهترین خروجی‌ها و نتایج را به دست آورد.

آینده‌ی این نشست‌ها بسیار روشن است و امید می‌رود که از دل این نشست‌ها اتفاقات خجسته‌ای رخ دهد و برنامه‌ها و اجراهای موفق و نویی رقم بخورد و حتی در حیطه مدیریتی نیز افرادی کارداران، مدیر و مدبر برای همکاری و راهبری نهادهای هنری ظهور پیدا کنند... به هر حال این نشست‌ها از

پیام های نوروزی

مرور روزهای سپری شده گاهی خالی از لطف نیست..
تعدادی از اعضا کانون های مختلف خانه موسیقی
ایران به بهانه مرور سال که گذشت و سالی که
می آید مطالبی را در اختیار فصلنامه خانه موسیقی
ایران قرار دادند..



علی عزیز *

درد ما از هجر یوسف کمتر از یعقوب نیست
او پسر گم کرده بود و ما هنر گم کرده ایم
سالی که گذشت عجیب سالی بود
سالی که پر بود از سکوت
سکوت و خاموشی هنر و موسیقی
* عضو هیات مدیره کانون ناشران خانه موسیقی



شهرلا میلانی

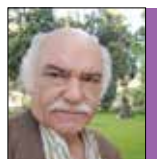
شرایط کار طی دو سال ونیم کووید برای هنرمندان واساتید
موسیقی بسیار سخت گذشت و در چنین شرایطی آسیب
فراوان به هنرمندان موسیقی وارد آمد. سالن های کنسرت و
آموزشگاه های موسیقی تعطیل و کسی از حال و روز هنرمندان
سراغی نگرفت. با تاسف در سال ۱۴۰۱ نیز کسی به فکر
اهالی موسیقی نبوده، که البته توقع آن می رفت که هنرمندان
حمایت می شدند. با آرزوی ارزیابی درست شرایط و وضعیت
موسیقی و امید به بهبود و حمایت از موسیقیدانان.
نوروز نیکو باد



غلام علمشاهی *

متأسفانه فرهنگ و هنر خصوصا هنر و صنعت موسیقی در
سال ۱۴۰۱ زیر سایه ویروس کرونا بوده دوران سختی را
سپری کرده و چند صباحی هم اتفاقات و حوادث و التهابات
جامعه مزید علت شده و رونقی در کار نبود و سال خوب
و نیکوی در عرصه هنر میسر نشده و امیدواریم در سال
پیش رو گشایش و اتفاقات میمون در همه زمینه ها را در
کشورمون شاهد باشیم.

* عضو هیئت مدیره کانون ناشران موسیقی



زیدالله طلوعی *

خوشبختانه تصمیم خانه موسیقی در راستای همراهی با
مردم در سالی که گذشت باعث ایجاد همدلی میان جامعه
موسیقی و صنف موسیقی شد.
حتی منتقدان خانه موسیقی هم با این شرایط همراه و
همدل شدند و امیدوارم سال آتی برای جامعه هنری سالی
سرشار از اتحاد و همراهی باشد
* عضو هیئت مدیره خانه موسیقی ایران





قاسم رفعتی *

متأسفانه شرایط موسیقی خوب نیست و دلیل این امر نبود مدیرانی با سواد و خردمند است. در حوزه موسیقی کار دست کاردان سپرده نشده..

مثال این ماجرا هم وضعیت آشفته صدا و سیما در عرصه موسیقی و بلا تکلیفی برای نشان دادن ساز است و باقی موارد..

امیدوارم سال جدید مدیرانی باسواد و لایق برای موسیقی این سرزمین تصمیم گیری کنند.

* عضو هیئت مدیره کانون خوانندگان سنتی



خسرو بهرامی *

در زمانی که بیماری منحوس کرونا کووید ۱۹ به اکثر نقاط کشور سرایت کرد و کلیه کارها بصورت تعطیل یا نیمه تعطیل در آمد طبیعی است که تعدادی زیادی از هنرمندان عزیز کشورمان از جمله هنرمندان عرصه موسیقی از قبیل: آهنگ سازان، تنظیم کنندگان، نوازندگان، خوانندگان و غیره... درگیر این بیماری شده و نتوانستند عملاً کارهای خوبی تحویل جامعه موسیقی بدهند. بعد از آن نیز با توجه به اعتراضات اخیر کشور بیشتر کارهای اجرایی نیز در حد مارش و سرود ساخته شد و باز هم موسیقی دستخوش یکسری مشکلات و سر درگمی آهنگسازان و ترانه سرایان قرار گرفت و باز هم آنچنان که باید در عرصه موسیقی کار خاصی انجام نپذیرفت و مسئولین محترم خانه موسیقی ایران که یکی از ارکان اصلی موسیقی کشور می باشند، تلاش و کوشش زیادی در به ثمر رسانیدن موسیقی فاخر و مردمی نمودند که برای این عزیزان آرزوی موفقیت دارم.

* عضو هیئت مدیره کانون موسیقی کلاسیک



علیرضا آزادگان مهر *

بنشینیم و ببندیشیم

این همه ی با همبگانه

این همه ی دوری و بیزاری

به کجا آیا خواهیم رسید آخر؟

و چه

خواهد آمد بر سر ما با این دل‌های پراکنده؟

جنگلی بودیم

شاخه در شاخه همه ی آغوش

ریشه در ریشه همه ی پیوند

وینک انبوه درختانی تنه‌ایم

مهربانی به دل بسته ما مرغی ست

کز قفس در نگشادیمش

و به عذری که فضایی نیست

وندربین باغ خزان خورده

جز سموم ظلم آورده

هوایی نیست

ره پرواز ندادیمش

هستی ما که چو آینه

تنگ بر سینه فشردیمش از وحشت سنگ انداز!

یک سال دیگه در کنار هم اشک ریختیم و خندیدیم یاد آنان که در بین ما نیستند گرمی، و عمر ساین دراز باد در آستانه رستاخیز طبیعت و نوروز باستانی برای همه مردم ایران به ویژه همکاران هنرمندم سلامتی، توانگری و ایمنی آرزومندم.

* عضو هیئت مدیره کانون صدابرداران





سیدمحمد تنکابنی*

زمانی که از من خواسته شد تا از دیدگاه خودم به تغییر و تحولات موسیقی در سال ۱۴۰۱ نگاهی اجمالی بیاندارم، ذهنم پر شد از مشکلاتی که در حوزه‌های مختلف از آن رنج کشیدم. صحبت از آن در یک یا دو پاراگراف برایم مشکل است اما مجالی یافتم تا که خود را در برابر این پرسش قرار دهم و آن را همچون یک دوست که به تازگی با هم آشتی کردیم، در برابر خود بنشانم و به گپ و گفت بپردازم. بنا داشتم تا او را به سخن درآورم و خودش از تغییراتی که تجربه کرده برایم بگوید اما در کمال ناباوری، به محض اینکه سخن گفتم، او از من پرسید که چه شد که امروز حالمان این است؟ گویی خودش هم تعجب کرده بود! سکوت سنگینی حکم فرما شد و از من خواست تا پاسخی بدهم. به یادگار، پاسخی را مینویسم تا زمینه‌ای برای نقد آن ایجاد شود. به نظر من بدنه دولتی خیلی دیر متوجه اثر هنر - به ویژه موسیقی - در جامعه شده است و حال امروز ما، حاصل چندین سال نادیده گرفتن هنر و راه‌های ایجاد زیر ساخت‌های فرهنگی و هنری به عنوان یک رکن اصلی در هر کشوری با هدف حفظ اصالت و ترویج آن است. سوء مدیریت در بخش‌های مختلف فرهنگی و هنری باعث شده است تا حوزه‌های مختلفی همچون آموزش و تولید تحت تاثیر قرار بگیرند. حوزه آموزش با نسل بعدی در ارتباط است که رها شده و بی برنامه‌گی جمعی در سطح کلان (و نه فردی) باعث شده است که تصمیمات عده‌ای اقلیت غیر کارشناس در بخش دولتی، آینده اکثریتی را تحت الشعاع قرار دهد. از جمله میتوان به تغییرات غیر کارشناسی کنکور سراسری هنر اشاره کرد که هنرجویان هنرستان‌های موسیقی دختران و پسران را با مشکل جدی در ارتباط با ورود به دانشگاه‌های سراسری روبرو کرده که موجب ناامیدی و سردرگمی بخش مهمی از جامعه آینده موسیقی کشور شده است. در این شرایط چه آینده‌ای برای این نسل متصور شویم؟ کمی دوراندیشی شرط عقل نیست؟ حوزه تولید هم نیز تعریفی نداشت. افزایش هزینه‌های زندگی و به تبع آن هزینه‌های تولید که ارتباط مستقیم با معیشت جامعه موسیقی دارد و همچنین آینده تیره‌ای که بر هنر ایران

سایه افکنده، باعث شد که سرمایه گذاران از این حوزه کوچ کنند تا بتوانند راه حل مشکلات خود را در حوزه دیگری یافت کنند. چه ارکسترها که تعطیل نشدند! چه آهنگسازانی که به خاطر نبود بودجه نتوانستند آثارشان را منتشر کنند و به تبع آن چه آسیب‌هایی که نوازندگان به واسطه این شرایط ندیدند. در این میان که سرمایه گذاران به مشکلات بزرگی برخوردند، تمایلی به سرمایه گذاری در چنین صنعت پر ریسکی ندارند و متأسفانه عنان کار به دست برخی مسئولان دولتی افتاده که مجالی نیست تا از شکل برنامه ریزی آنها بگویم. برای توصیف حال و هوای سال گذشته، سوالی را مطرح میکنم و امیدوارم که مسئولان پاسخ منفی برایش داشته باشند تا نفسی بکشیم: آیا کارهای دیگری برای ناامید کردن هنرمندان موسیقی در نظر دارید؟!

* عضو هیئت مدیره و دبیر کانون آهنگسازان خانه موسیقی ایران



سوسن بخشایش*

من به عنوان صدابردار موسیقی که بیش از ۵۰ سال در این عرصه حضور داشتم و حدود ۲۷ سال تخصصی با موسیقی بانوان همکاری داشتم فقط می‌توانم بگویم هیچ... هیچ... هیچ حرفی برای گفتن و نوشتن ندارم! امیدوارم واژه هیچ در سال جدید تبدیل به واژه‌ای دیگر شود.

چون سالی که گذشت تاثیر بدی بر روحیه اهالی موسیقی داشت و قطعاً درمان آن زمان طولانی را می‌طلبد.

* عضو هیئت مدیره کانون صدابرداران





آذر هاشمی*

به سال ۱۴۰۱ که فکر می‌کنم تنها یک واژه به ذهنم می‌آید..
تاسف

تاسف از لحظاتی که سپری کردیم و آنچه به چشم دیدیم! و برای سال ۱۴۰۱ در کنار سلامتی تنها یک آرزو دارم، امنیت و آرامش برای تمام هنرمندان خاصه هنرمندان موسیقی

* عضو هیئت مدیره کانون مدرسان



امید انصاری*

بنام هو، که ز هر چه رنگِ تعلق پذیرد آزادست.
در شرایطی که هر فعالیت ضبط یا تولید موسیقی به خطا شاید خود را بی نیاز از صدابردار یا استودیو فرض میکند آنچه ما را وادار به تلاش مضاعف و ارتباط پویاتر با جامعه موسیقی می‌کند ارائه کیفیت کاری بالاتر با بکارگیری تکنیک‌های جدیدتر در تمامی زمینه‌های تخصصی ضبط، میکس، مسترینگ و تمامی مجموعه خدماتی است که صدابرداران در استودیوها و اجراهای زنده تقدیم جامعه پویا و هنری می‌کنند تا بر دل و جان مردم بنشینند.

همچنین با هدف ارتباط بیشتر و موثرتر با همه طیف‌های مرتبط با حوزه موسیقی سعی بر حمایت‌های درونی و بیرونی با تکیه بر تشکل‌های صنفی را داریم تا بر رونق کسب و کار این حرفه بیافزاییم و ضررهای جبران ناپذیری را که این مدت متحمل شده ایم را کمتر کنیم تا حداقل سر پا بمانیم .
همچنین با هم اندیشی و حضور در جلسات فعال این روزها با افراد پیشرو و روشنفکر جامعه در تلاش و کوشش هستیم که در گذر و رفع مشکلات این روزهای سخت همراه و کنار هم باشیم.

* عضو هیئت مدیره کانون صدابرداران خانه موسیقی



داوود گنجه‌ای*

سالی که سپری کردیم از جمله بدترین سال‌ها بود به خصوص برای اهالی موسیقی..
اتفاقات اجتماعی تاثیر به مراتب عمیق تری بر روی هنرمندان موسیقی دارد و اتفاقات اجتماعی سال ۱۴۰۱ تاثیر عمیقی بر روی اهالی موسیقی گذاشت.

من به عنوان مدرس، مدیر هنری و هنرمند در جریان تمام فشارها بر روی هنرمندان بوم و متاسفانه شاهد از بین رفتن اعتماد اجتماعی مردم بوم.
امیدوارم با هشدارهای هنرمندان و درایت بعضی از مدیران بخشی از مشکلات مرتفع شود.

به این نکته باید حتما اشاره کنم که خانه موسیقی فداکارترین صنف هنری ما بود. به خصوص که روزهای دوشنبه اهالی موسیقی گرد هم آمدند و صریح و بی پرده در مورد مشکلات گفت و گو کردند و اهالی خانه موسیقی تلاش کردند تا آرامش را به جامعه موسیقی بازگردانند.
به هر روی آرزو می‌کنم سال آینده همه ما همراه و همدل در کنار هم باشیم و سلامت و آرامش روح و روان به جامعه بازگردد.

* عضو هیئت مدیره کانون مدرسان





نسرین ناصحی*

آنچه گذشت همانند خوابی پریشان بود اما امید، مهراندیشان و مهرآیینان این سرزمین پیشینه مند را بایکدیگر پیوند داد. بی گمان اکنون و درآستانه بهار، جویبار هنرراستین با نواهایی دلنشین، دشتهای تشنه را سیراب خواهد نمود.

* عضو هیئت مدیره کانون خوانندگان کلاسیک



مهدی مساح بیدگلی*

سالی که گذشت سالی بد بود
سالی بد و بد زید بدتر بود...

چه زیبا زنده یاد مرتضی احمدی به طنز خواند و با آن شادی کردیم. دریغا که چند سالی است هنگام تحویل سال به افسوس و حسرت، واژه هایش از ذهنم می گذرد. به هر حال در این روزگار، تنها خودمان باید به فکر یکدیگر باشیم و والاترین و مظلومترین هنر (موسیقی) را دریابیم.

باوجود برنامه ریزی‌ها و طرح‌های اجرایی بسیار که شرایط موجود مانع از ارائه آن‌ها به صورت کامل شد اما با همکاری تمامی اعضاء، جلسات مدون خود را رها نکرده و در کانون مدرسان عضویت هنرمندان واجدالشرایط را مهیا کردیم. علاوه بر این با همراهی بزرگان عرصه موسیقی، هنرمندان و هنردوستان جشنواره سراسری موسیقی امیرجاهد را حفظ کرده و امید دارم این قطره‌های کوچک در سال آینده دریایی شوند بر کرانه هنر والای موسیقی کشور.

* عضو هیئت مدیره کانون مدرسان



هادی منتظری*

متأسفانه در چند سال اخیر به دلیل کرونا و اتفاقات اخیر هنر موسیقی در کنجی نهاده شد، نه تعریفی شد و نه تأییدی و نه حتی اجرایی، که این مایه تأسف است..

من به عنوان عضوی از جامعه موسیقی انتظار دارم برای عرصه فرهنگ و هنر متولی پیدا شود.

در تمام دنیا مثلاً شهرداری‌ها متولی برنامه‌های فرهنگی هستند و از ارکسترها حمایت می‌کنند.

اما در سرزمین ما موسیقی اصیل ایرانی نه حمایت‌گری دارد و نه متولیان..

امیدوارم سال آینده گرانی‌ها ارزان شود و مردم و اهالی موسیقی در آرامش باشند.

* عضو هیئت مدیره کانون مدرسان



حمیدرضا عاطفی*

می‌دهم خود را نوید سال بهتر سالهاست

گرچه هر سالم بتر از پار می‌آید فرود

بهار و سال نو فرصتی است برای تازه شدن و شستن چشم‌ها که بهتر ببینیم و خوب‌تر بیندیشیم...

چه هستیم، از کجا آمده‌ایم و به کجا می‌رویم

نوروز فرصتی است برای اصلاح خودمان که اگر راه را اشتباه آمده‌ایم بازگردیم و با راهنمای طبیعت مسیر درست را بیابیم...

نو شویم، تازه شویم، جوانه بزنییم، عشق بورزیم و کمتر از ذره نباشیم. فرصت کوتاه است، به خود بیاییم.

* عضو هیئت مدیره کانون پژوهشگران



نگاهی اجمالی به برگزاری آزمون دریافت کارت صلاحیت تدریس



در بخش آواز کلاسیک و پاپ حدود ۴۲ نفر در آزمون شرکت کرده اند.

در بخش آواز سنتی حدود ۷۰ نفر و در بخش نوازندگی پیانو تا به امروز ۱۴۰ نفر در این آزمون‌ها حضور داشته اند. در بخش مدرسان موسیقی کودک ۲۰۰ نفر در این آزمون شرکت کرده‌اند و در نوازندگی تار، سه تار و سنتور بیش از ۱۵۰ نفر آزمون داده‌اند.

ناگفته نماند، بدیهی است که تعدادی از افراد مشروط شده اند و باید خود را برای حضور مجدد و آزمون دادن آماده کنند و آن عده‌ای هم که موفق شده اند مسیر تدریس را پیش گرفته‌اند. اما در این مسیر حضور بسیاری از اساتید و بزرگان شاخه‌های مختلف موسیقی برای علاقه‌مندان مهم و حتی انگیزه‌ای مضاعف برای ادامه این مسیر است.

اساتیدی مانند سودابه سالم، مسعود شعاری، رشید وطن دوست، صدیق تعریف، داریوش پیرنیاکان، بابک شهرکی، شروین مهاجر، فرزاد دانشمند، محسن محترمی، شهلا میلانی، آرام روحانی، مظفر شفیع، امیر پدram طاهریان، زهت امیری، میلاد کیایی، زیدالله طلوعی، همایون نصیری، اردشیر کامکار، رامین کاکاوند، حسین رضایی‌نیا، امیر پدram طاهریان، مهرداد کریم خاوری، صادق تعریف و... در این آزمون‌ها شرکت کرده و صلاحیت شرکت کنندگان را تایید کرده اند. هرچند حضور این افراد برای عده‌ای به مثابه کلاس درسی بوده که بعضاً نقاط ضعف خود را شناسایی کنند و در جهت تقویت آن بکوشند.

به هر روی این آزمون‌ها مقدمه‌ای است بر این هدف که نسل آینده موسیقی در کنار افرادی توانمند و صاحب سبک تربیت شود تا آینده‌ای درخشان برای کودکان و نوجوانان و علاقه‌مندان موسیقی فراهم شود.

چند سالی است حضور بسیاری از اهالی موسیقی در خانه موسیقی ایران یک دلیل مشترک داشته است؛

دریافت کارت صلاحیت تدریس

موضوعی که در هر دوره با اما و اگرهایی همراه بوده و حالا چند سالی است که به قول معروف سروسامان گرفته و یا سرو شکلی پیدا کرده است..

حالا دیگر تمام افرادی که قرار است مسیر تدریس و آموزش را در پیش بگیرند می‌دانند که ناگزیر از شرکت در آزمون صلاحیت تدریس هستند و اگر نظر اساتید را جلب کنند مسیر آموزش برای آنان سهل و ممکن می‌شود.

در ایام کرونا اغلب این آزمون‌ها به صورت (آنلاین) برگزار می‌شد و متقاضیان از شهرهای مختلف و حتی تهران ملزم به حضور آنلاین و مجازی بودند. اما از ابتدای امسال که تب این ویروس خانمانسوز فروکش کرد بعضی از جلسات برای متقاضیان علاقه‌مند به صورت حضوری هم برگزار شده است.

از ابتدا تا روزهای انتهایی سال ۱۴۰۱ در شاخه‌های نوازندگی ویولن کلاسیک، ویلنسل ویولا، ویولن ایرانی و کمانچه، گیتار، سازهای بادی، تار و سه تار، پیانو، سنتور و سازهای کوبه‌ای و همچنین آواز کلاسیک، پاپ و آواز سنتی و نیز موسیقی کودک آزمون دریافت "کارت صلاحیت تدریس" برگزار شده است.

در آزمون ویولن کلاسیک، ویلنسل، ویولا حدود ۱۱۴ نفر از ابتدای امسال شرکت کرده‌اند.

در آزمون ویولن ایرانی و کمانچه نوازی حدود ۶۵ نفر حضور داشته‌اند.

در آزمون دریافت کارت صلاحیت تدریس برای نوازندگی گیتار حدود ۱۸۵ نفر آزمون داده‌اند.

در بخش نوازندگی سازهای بادی حدود ۳۸۵ نفر شرکت کرده‌اند.

گفت و گو با مهدی کوهیان، عضو حقوقدان کمیته پیگیری آزادی هنرمندان بازداشت شده

پیگیر پرونده توماج صالحی و سامان یاسین هستیم...

غزل نهانی: از اواسط شهریور ماه همه چیز تغییر کرد. دنیای فردی و اجتماعی همه ما به یک باره دگرگون شد. حتی نحوه برخورد ما با اتفاقات متفاوت بود. آرام آرام خبرهای مبنی بر بازداشت یا احضار تعدادی از هنرمندان به گوش رسید و فضای پیرامون هنرمندان ملتهب تر شد. در همین راستا کمیته‌ای با حضور اعضای اصناف هنری یعنی خانه موسیقی، تئاتر و سینما تشکیل شد تا مشکلات هنرمندان پیگیری شود. اتفاقی که تا همین روزهای پایانی سال ادامه دارد و باعث دلگرمی در میان هنرمندان شده است.

با مهدی کوهیان، حقوقدان و تهیه کننده که از همان روزهای ابتدایی با این کمیته همراه بود چند ساعتی گفت و گو کردیم و ماحصل حرفایمان را می‌توانید اینجا مطالعه کنید...



از زمانی که اعتراضات مدنی و اجتماعی شروع شد تا همین امروز شرایط هر لحظه به نحوی متفاوت سپری شده است. پیگیری وضعیت هنرمندان بازداشتی در حوزه‌هایی مثل موسیقی، تئاتر و سینما هم از آن دست اتفاقاتی بود که کمتر کسی تجربه کرده باشد. اما به مرور شما وارد این میدان شدید و تا به امروز تلاش شما برای رهایی هنرمندان در بند ادامه دارد. همراهی با این اتفاق چه طور شکل گرفت؟ شاید باید کمی به عقب بازگردم تا پاسخ شما را کامل تر بگویم.

کمیته پیگیری وضعیت هنرمندان با بازداشت تعدادی از مستندسازان در اردیبهشت ماه شکل گرفت. تعدادی از فعالان این عرصه و بنده به دلیل فعالیت در حوزه مستند و کمی آگاهی به مسائل حقوقی، تلاش کردیم از این دوستان حمایت کنیم. همان زمان موضوع جنجالی پیش آمد و اتفاقاتی افتاد اما اصل ماجرای حمایت از هنرمندان همان زمان ریشه گرفت.

طبیعتا بنده با تعدادی از مقام‌های قضایی در ارتباط بودم و جلسات ما نتایج خوبی داشت. جلسات فعالان حوزه مستند مثل خانم رخشان بنی‌اعتماد و دوستان دیگر با قضات هم از جمله جلسه‌های مهم در این حوزه بود و من معتقدم این جلسات تعاملی بین بخش مدنی و دولت تاثیر خوبی داشت و سوتفاهم‌های فراوانی رفع شد. اتفاقا همین الان فکر می‌کنم شاید روزی جزئیات این جلسه را مکتوب کنم..

به دلیل این ماجرا به صورت شخصی من در این فضا قرار گرفتم تا اینکه ماجرای مهسا امینی اتفاق افتاد و همه ناراحت و نگران بودند. هنرمندان مانند سایر مردم واکنش نشان دادند و فضای خاصی پدید آمد که همه ما خیلی خوب به یاد داریم.

تصور می‌کنم اواسط مهرماه بود که روسای خانه سینما جمع شدند که برای تعدادی از هنرمندان سینما که مهر ممنوع‌الخروجی دریافت کرده بودند یا احضار شده بودند تصمیم‌گیری کنند که چه

اقدامی باید انجام شود.

پیشنهاد شد کمیته‌ای تشکیل شود برای پیگیری وضعیت بچه‌های سینما و به واسطه تجربه من و فضایی که پیش آمده بود از من هم خواسته شد حضور داشته باشم.

تصور ما این بود در چند هفته ماجرا تمام می‌شود. اما همه

حتی زمانی یکی از خانم‌های هنرمند نام آشنا برای من تعریف کرد که خانمی در خیابان به صورت او آب دهان انداخته (تف کرده) و با عصبانیت گفته چرا هیچ عکس عملی نداری؟ چرا کنار مردم نیستی ..
از این دست موارد در این چند ماه کم نداشتیم..
هرچند از مردم هم نمی توان خرده گرفت .. آنها حق دارند هر هنرمندی اگر به جایگاهی رسیده است.
بی تردید با حمایت مردم بوده و در بزنگاه‌های خاص همین مردم انتظار همدلی و همراهی از هنرمندان را دارند.

تعداد هنرمندان بازداشتی در این مدت چند نفر بود؟ آمار دقیقی دارید؟

از من خواسته اند آمار اعلام نکنم اما حدود ۲۰۰ نفر از اهالی فرهنگ و هنر و رسانه یا بازداشت شده اند، یا احضار شده اند، یا ممنوع الخروج بوده اند ...
در میان افراد بازداشت شده نام‌های شناخته شده داشتیم و هنرمندانی با شهرت کم تر هم بسیار داشتیم. کمیته مشترک پیگیری وضعیت هنرمندان عمده تلاش و وقت خود را صرف هنرمندان گم نام و با شهرت کمتر کرد.
من به افراد مشهور هم گفتم برای شما تلاش کردیم اما نگرانی جدی ما برای مادری در فیروزآباد استان فارس بود که حتی هزینه ایاب و ذهاب برای پیگیری وضعیت فرزند هنرمندش را نداشت یا نگران خواهر هنرمندی هستیم که از شمال به تهران آمده و پول کرایه مسافرخانه ندارد و حتی نمی تواند چند روز در منزل اقوام بماند. و یا آن مادر بافقی که هر روز تماس می‌گرفت و نگران فرزند ۱۹ ساله دانشجوی خود در یزد بود.
به نظرم کمیته ما باید بیشتر برای هنرمندان گمنام تلاش می‌کرد و این افراد در الویت ما بودند . همواره تلاش ما برای هنرمندان مشهور میانجگری کردن بوده و هست.

از یک جایی به بعد هنرمندان مشهور یا به تعبیری سلبریتی‌ها در این جریان با شما همراه شدند و برای آزادی هنرمندان سنگ تمام گذاشتند و بسیاری بی خبر از این تلاش‌ها هستند..

با صراحت اعلام می‌کنم مدیون افرادی مثل رامبد جوان یا ستاره اسکندری هستیم. من ابتدا در تماس مستقیم مثلاً با رامبد جوان نبودم اما خانم ستاره اسکندری هر روز مقابل زندان بود و فقط پیگیر مشکلات هنرمندان نبود بلکه مشکلات بسیاری از مردم را همان جا حل و فصل می‌کرد. در حد توان..
حضور این دوستان بسیار موثر بود. نمی دانم رامبد راضی هست من اینها را بگویم یا نه اما برای آزادی افراد دربند هزینه مالی می‌کرد و وثیقه‌ها را به قول معروف جور می‌کرد تا مشکل

چیز برخلاف تصور ما پیش رفت و می‌دانید که این اتفاق نیفتاد و فضا هم ملتهب تر شد.
بعد از آن مدیران سایر اصناف هنری و ادبی مثل خانه موسیقی ، خانه تئاتر و ..کنار هم جمع شدند و پیشنهاد کردند با توجه به تجربه ما در خانه سینما ما با در ارتباط باشند که کار را پیش ببریم. در زمانی بودیم که هنرمندان متعددی از حوزه‌های مختلف بازداشت شده بودند و به نوعی این سرآغاز حضور من در کمیته حمایت حقوقی و قضایی از هنرمندان بود که تا همین حالا هم ادامه دارد..
آن زمان قرار شد ارتباط با قوه قضاییه به عهده ما باشد و بقیه اصناف با اعضا خود در ارتباط باشند که به نظرم این اتفاق به بهترین نحو رخ داد..

بنا به گفته شما اوایل کسی تصویری از گستردگی این ماجرا نداشت و به مرور ابعاد گرفتاری‌های هنرمندان و عموم مردم بیشتر شد. طبیعتاً برای شما هم لحظات سختی سپری شده است..

بله. من ابتدا فکر می‌کنم نیاز به یک خودانتقادی داریم. به نظرم در بحران‌ها نهادهای صنفی باید به سرعت عمل کنند. یعنی اگر در ابتدای هر بحرانی مثلاً خانه موسیقی یا خانه سینما به عنوان یک نهاد مدنی اطلاعیه‌ای منتشر می‌کرد و اعتراض هنرمندان را در همان بیانیه بازتاب می‌دادند شاید بسیاری از هنرمندان واکنش شخصی را بروز نمی دادند و هنرمند به واکنش نهاد صنفی خود بسنده می‌کرد و بسیاری از پست‌های هیجانی در فضای مجازی شکل نمی گرفت..

اما من باید حرف شما را نقض کنم. زیرا در خانه موسیقی و به فاصله ی اندکی بعد از زمان درگذشت مهسا امینی بیانیه‌ای منتشر شد ولی دیدیم که بسیاری از هنرمندان آن را کافی ندانستند و علاقه مند بودند خودشان حرف‌های دلشان را با لحنی تندتر بیان کنند.... فارغ از بیانیه یک صنف...

بله این مطلب هم درست است و قطعاً همان بیانیه موثر بوده است و شاید خیلی از هنرمندان رفتار خود را متناسب با همان بیانیه پیش بردند.
ممکن است عده‌ای فکر کنند من باید واکنش شخصی خودم را داشته باشم اما وقتی من با بسیاری از هنرمندان بازداشت شده گفت و گو می‌کردم می‌گفتند اگر صنف من واکنشی داشت من به آن واکنش تاسی می‌کردم.
در این مدت و در جلسات فراوانی که داشتیم برخی از نهادهای امنیتی معتقد بودند که هنرمندان باعث تحریک مردم بودند و ما بارها در جلسات گفتیم این تصور از اساس باطل است. زیرا این مردم بودند که تمام هنرمندان را به واکنش فراخواندند.

شرایط مطلوب تری داشته باشد. همان گلابه باعث شد مسیر رسیدگی به پرونده‌ها ساز و کار بهتری پیدا کند. کم کم و به مرور آقای تقوی رئیس دادگاه انقلاب اسلامی که انصافا همراهی و همکاری خوبی با ما داشت و دارد، اجازه داد در جلسات دادگاه‌ها حضور داشته باشیم، صحبت کنیم و حقیقت را بیان کنیم و همه این موارد قطعاً راهگشا بوده است. گفت و گوها در دل جلسات و قبل و بعد جلسات باعث شد بسیاری از اتهامات سنگین از اساس منتفی شود. مثلاً اتهام‌هایی مثل اجتماع و تبانی یا تبلیغ علیه نظام از جمله اتهامات سنگین

توماج صالحی



چه هنرمندان و چه افراد عادی حل شود. یا هنرمندان دیگر حتی خیرین در حوزه فرهنگ و هنر پیشقدم شدند و بخشی از وثیقه‌ها را پرداخت کردند. کم کم حرکت‌های انفرادی به حرکات جمعی تبدیل شد و ما در جلسات تصمیم گرفتیم تقسیم کار کنیم و با همراهی هم مشکلات را حل کنیم. باید از خیلی‌ها تشکر کرد به خصوص آن دسته از هنرمندانی که تصمیم گرفتند در گمنامی همراهی کنند و این همراهی‌ها بسیار ارزشمند است..

در حال حاضر ما در فضایی پر از سوتفاهم‌ها زندگی می‌کنیم. هر حرکتی گه‌گاه به عکس تعبیر می‌شود و برداشت‌های بی‌منطق از هر رفتار فریاد دیده می‌شود. بسیار شنیده‌ام که می‌گویند مثلاً برای هنرمندان چه کرده اید؟ بالاخره که آزاد می‌شدند؟ یا اینکه فلان فرد چرا با تاخیر آزاد شد؟ چرا دست روی دست گذاشتید؟ هشتگ‌های بسیار زیادی در فضای مجازی زده شد با نام بسیاری از هنرمندان و افراد زیادی با خشم گله کردند که چه کسی به این وضعیت رسیدگی می‌کند و حرف‌هایی از این دست..

پاسخ شما به این حرف‌ها چیست؟

بله درست است و طبیعی است هر پرونده‌ای مسیر خود را تا انتها طی می‌کند و به سرانجام می‌رسد. این روند طبیعی است. اما وقتی نهاد صنفی به عنوان یک میانجی وارد جریانی می‌شود و سعی می‌کند التهاب‌ها را کاهش دهد.

به هر حال سوتفاهم‌هایی میان حاکمیت و بخشی از مردم وجود دارد که نهادهای مدنی به عنوان نماینده بخشی از همین مردم می‌توانند به حل آن کمک کنند.

اگر بخواهم با جزییات مثال بزنم می‌توانم به شب آتش سوزی زندان اوین رجوع کنم. شبی که تا صبح بیدار بودم و تا صبح تلفن جواب می‌دادم. خانواده‌ها نگران بودند، مدام تماس می‌گرفتند و آن شب یکی از تلخ‌ترین شب‌های زندگی من بود. نه من و نه هیچ کس دیگر اطلاعی از داخل زندان نداشت و شما تصور کنید من چه جوابی باید به خانواده‌ها می‌دادم؟ جز اینکه آنها را به آرامش دعوت کنم و این مسئله کمی نیست.

یا خانواده‌هایی که از وضعیت فرزندان بازداشت شده خود اطلاعی نداشتند و ما اطلاعات پیدا می‌کردیم و در روند قانونی پرونده تسریع ایجاد می‌کردیم.

بسیاری از پرونده‌ها بر مبنای سوتفاهم‌ها شکل گرفته بود و ما با حضور در دادگاه‌ها بسیاری از این سوتفاهم‌ها را مرتفع می‌کردیم. مثلاً کتایون ریاحی از ما گله کرد که در دادگاه تنها بوده.

حق داشت و حق با او بود. چون ما اطلاعی از زمان دادگاه او نداشتیم و اطلاع رسانی ایشان باعث شد روند پیگیری پرونده

کنم می‌گفتم افراد با چه انرژی‌هایی وارد دادگاه می‌شدند و با چه انرژی‌هایی خارج می‌شدند. خیلی حرف‌ها را نمی‌توان گفت اما مثلا در خصوص قاضی صلواتی که ممکن است جامعه تصوراتی خاص از او در ذهن داشته باشد، وقتی ما جلسه‌ای با ایشان برگزار کردیم به گرمی ما و میانجی‌گری همراهان ما را پذیرفت و همان روز دستور آزادی دو هنرمند را صادر کردند. هنرمندانی که کمتر کسی گمان می‌کرد به زودی آزاد شوند.

اتفاقا حضور این کمیته موثر بود. مثلا رییس دادگاه انقلاب آقای تقوی که بسیار با او گفت و گو می‌کردیم وقتی حضور مستمر ما را می‌دیدند به این نتیجه رسید که این همراهی می‌تواند هزینه کمتری برای کشور داشته باشد.

جا دارد من از شخصی که فقط بنام حاج اسماعیل میشناسم و گویا مشاور امین آقای تقوی هستند و در حداقل سه ماه گذشته هر روز ایشان را دیده‌ام، تشکر ویژه کنم. حتما نام ایشان در تاریخ به نیکی خواهد ماند و من و همه هنرمندان دارای پرونده شهادت خواهند داد که ایشان چگونه وقت گذاشت و تک به تک مراجعات را بی پاسخ نگذاشت.

دعای خیر بسیاری از مردم و هنرمندان پشت سر ایشان است.

اکثر پرونده‌ها بوده و تعامل ما با قوه قضاییه یا فردی مثل قاضی ایمان افشاری که بخش بیشتری از پرونده‌های هنرمندان توسط ایشان بررسی شد، باعث از بین رفتن این احکام سنگین شد. حتی قضات دیگر در این مسیر با ما وارد تعامل شدند و من احساس کردم آنها دوست دارند نهاد صنفی در میانه میدان باشد..

متاسفانه بسیاری از افرادی که قضاوت‌های بعضا عجیب و غیر منطقی داشتند به این مهم توجه نکردند که آرامشی که از قبل این مسیر نصیب خانواده‌ها شد چه اندازه مهم و تاثیرگذار بوده است..

فضای دادگاه فضایی خشک و رسمی و اصولی است. چون در بعضی دادگاه‌ها تصویربرداری می‌شد فضای دادگاه خشک تر و جدی تر هم بود و حال تصور کنید خیلی از هنرمندان در میانه دادگاه به ناگهان تهی می‌شدند و حضور ما به عنوان یک پشتوانه و دلگرمی به حضور بچه‌ها و دفاعیات آنها بسیار کمک می‌کرد. اگر من روزی می‌توانستم با جزییات و با انتشار اسامی صحبت

سامان یاسین

به نظر شما این تعامل به دلایل فردی بود یا تصمیم حاکمیت و یا دلایل دیگری داشت؟

من نمی‌دانم. و واقعا پاسخ به این سوال نه در تخصص من است و نه کمکی میکند، اما به هر دلیل که بوده، نتیجه این تعامل برای ما و برای هنرمندان بازداشت شده رضایت بخش بود.

البته این حرف‌ها به این معنی نیست که هرچه ما خواستیم همان شد. نه قطعا این چنین نبوده. اما در بعضی پرونده‌ها ما تصور می‌کردیم راه به جایی نمی‌برد ولی درهای گفت و گو که باز شد، مسیر پرونده تغییر کرد و نتایج بسیار خوبی داشت.

ما انتقادات تند و جدی در بسیاری از گفت و گوها داشتیم و بی‌پرده حرف‌هایمان را بیان کردیم و آنها در بسیاری موارد ندهای ما را پذیرفتند. مثلا چند جلسه با دکتر غریب آبادی معاون



و من می‌گفتم لیست ما تمام این بچه‌ها هستند و آنها می‌گفتند تنها نام ۱۰ نفر را اعلام کنید. من نمی‌توانستم به لحاظ اخلاقی این کار را کنم.

در نهایت بعد از چند روز با روحی آزار دیده و وجدانی زخمی این لیست را ارائه کردم هرچند آن عفو اتفاق نیفتاد ولی بر من شرایط سختی گذشت و مدام به خودم می‌گفتم از کجا معلوم شرایط فرد دیگر سخت تر از بقیه نباشد. این انتخاب برای من رنج فراوانی داشت. این اتفاق سختی عجیبی برای من داشت حتی سخت تر از شب آتش سوزی اوین..

و روزی بود که از اعماق قلب مسرور شده باشید؟

فارغ از اینکه آزادی هر کدام از بچه‌ها برای من بسیار خوشحال کننده بود اما روزی که عفو عمومی اعلام شد بسیار خوشحال شدم. عفو به این گستردگی برای اولین بار بعد از انقلاب رخ داد و نکته بعد اینکه برای اولین بار عفو شامل حال متهمین هم شد یعنی کسی که جرمش اثبات نشده بود، مورد عفو قرار می‌گرفت.

برای من روزی خوشحال کننده بود..

حرفی بود که در دل‌تان سنگینی کند و نگفته باشید؟

اوایل این ماجرا خیلی‌ها بر من تاختند و حتی با ادبیاتی خشمگین با من برخورد کردند که تو اصلاً چرا می‌روی حرف می‌زنی؟ چرا با این افراد و فلان مقام گفت و گو می‌کنی؟ چرا این افراد را به رسمیت می‌شناسی؟

منش من این است.. با هر کس در هر مقامی یا هر جایگاهی حتی کسی که به ناحق در پستی قرار دارد و اختیاری به دست دارد مذاکره می‌کنم تا حتی یک درصد مشکل کسی مرتفع شود. من همیشه می‌گفتم برای آزادی بچه‌ها با هر کس مذاکره می‌کنم. هر کس کاری از دستش بریاید.. در نتیجه معتقدم باید حرف زد، گفت و گو و تعامل کرد..

سال ۱۴۰۱ برای ما تلخی کم نداشت. روزهای

عجیب را سپری کردیم اما مشتاقم آرزوی شما برای سال آینده را بشنوم..

قاعدتا همه می‌گویند مشکلات مرتفع شود و... اما آرزوی من گسترش آگاهی میان مردم است.. نا آگاهی میان ما بسیار است و ریشه بسیاری از مشکلات در نا آگاهی ما است و اگر آگاهی باشد تصمیم‌های درست گرفته می‌شود. از هر سمت چه آگاهی در بدنه حاکمیت و چه آگاهی در میان مردم.

آرزویم آگاهی و آگاهی بخشی است. افزون تر از همیشه..

حقوق بشر در قوه قضاییه داشتیم و حمیدرضا نوربخش، مدیرعامل خانه موسیقی حرف‌های جدی و مهمی را بی پرده پوشی مطرح کرد. ما در جلسات خواهش و تمنا نکردیم بلکه مطالبه گر بودیم و با همین مطالبات تعامل‌ها شکل گرفت.

جلساتی بوده که با جر و بحث شروع شده و در نهایت به نتیجه مشترک رسیده. من به شخصه تا اینجا راضی ام.

البته هنوز عزیزی در زندان هستند. مثلاً روز گذشته پیگیر پرونده سامان یاسین بودم و با قاضی پرونده صحبت کردم و ایشان پذیرفتند که در رسیدگی مجدد حتما ما هم بعنوان نهاد مدنی حضور داشته باشیم و کمک کنیم که کمترین هزینه به همه تحمیل شود. در مورد توماج صالحی در تلاش هستیم که میانجگری کنیم.

ما وکیل مدافع افراد نیستیم بلکه از حقوق صنفی هنرمندان به لحاظ قانونی دفاع می‌کنیم. ما در کشورمان میانجگری کردن را کم داریم و معنی آن این است که در هیچ سمت ماجرا نیست. مانند صلیب سرخ عمل می‌کند و به دنبال نجات فرد آسیب دیده است.

همکاری و همراهی اصناف با شما کامل شکل

گرفت؟

روزهای اول مسیر خیلی مشخص نبود. حتی برای پیدا کردن یک کد ملی مشکلاتی داشتیم اما به مرور همه ما با مسیر آشنا شدیم و کارها با نظم و به سرعت پیش رفت.

البته خانه‌ها فعالیت‌های خودشان را داشتند. در خانه موسیقی یا تئاتر خودشان پیگیر افراد بودند با خانواده‌ها در تعامل بودند. در خانه موسیقی می‌دانم با خانواده‌ها بسار صحبت شده و دلجویی‌های لازم اتفاق افتاده. می‌دانم اگر این همراهی‌ها ادامه دار باشد نتایج مثبتی خواهد داشت به خصوص که حدود ۲۰ نفر از اهالی هنر هنوز آزاد نشده‌اند و این روزها پیگیر وضعیت آنها هستیم.

سخت‌ترین روز یا روزهایی که بر شما گذشت چه

روزهایی بود؟

یکی همان شب آتش سوزی زندان اوین بود که در مورد آن صحبت کردم.

بار دیگر مادری با من تماس گرفت و از جزئیات بازداشت پسرش گفت که نمی‌توانم جزئیات را بیان کنم اما آن شب از تلخی ماجرا تا صبح نخوابیدم.

یک روز بسیار ناراحت کننده برای من زمانی بود که یکی از مقام‌های قضایی به ما اعلام کرد قرار است عفوی اعلام شود و شما لیستی ده نفره به من ارائه کنید.

من لیستی ارائه ندادم چندین بار تماس گرفتند و پیگیر شدند

فعالیت‌های کانون‌های خانه موسیقی ایران در سال ۱۴۰۱

دلیل مسائل اجتماعی تعدادی از برنامه‌ها به ثمر نرسیده اند. اما اهم فعالیت‌های کانون‌های خانه موسیقی ایران در سالی که گذشت به شرح زیر است:

کانون‌های خانه موسیقی ایران در سالهای گذشته فراز و فرودهای بیشماری را طی کرده اند. به خصوص در دوران کرونا تمامی برنامه‌ها و فعالیت‌های کانون‌های ده گانه خانه موسیقی ایران کامل متوقف شده و بعد از آن هم به

کانون خوانندگان سنتی با حضور حمیدرضا نوربخش، هنگامه اخوان، مظفر شفیعی، حسن بخشی و قاسم رفعتی از ابتدای سال ۱۴۰۱، ۳ جلسه برگزار کرده و حدود ۸۳ پرونده از خوانندگان سنتی را بررسی کرده و آزمون‌هایی از متقاضیان عضویت در این کانون گرفته اند.



کانون خوانندگان کلاسیک با حضور شهلا میلانی، پیام رستمی، نازنین جلالی فراهانی، محمدرضا صفی و نسرین ناصحی در طی سال ۵ جلسه با حضور اکثر اعضا برپا کرده و ۴۸ پرونده از اعضا جدید و اعضا قدیمی این کانون را بررسی کرده اند.



کانون آهنگسازان با حضور تقی ضرابی، وارطان ساهاکیان، فریدون شهبازیان، محمد جلیل عندهلیبی و سید محمد تنکابنی

کانون نوازندگان سنتی با حضور داریوش پیرنیاکان، مسعود شعاری، زید الله طلوعی، سیامک جهانگیری، محمد ذوالنوری به عنوان اعضا هیئت مدیره از ابتدای سال ۱۴۰۱ تا انتهای سال ۳ جلسه برگزار کرده و حدود ۲۵۲ پرونده را بررسی کرده اند. موضوع اغلب پرونده‌ها بررسی وضعیت بیمه اعضا و حل مشکلات حقوقی و صنفی اعضا بوده و همچنین این کانون برای اعضا جدید خود آزمون‌های عملی و آنلاین در طول سال برگزار کرده است.



کانون نوازندگان کلاسیک با حضور فرزاد دانشمند، امیرپدرام طاهریان، عبدالسعید خرمشاهی، خسرو بهرامی و علیرضا میرآقا به عنوان اعضا هیئت مدیره از ابتدای سال حدود ۵ جلسه برگزار کرده و طی این جلسات ۱۴۹ پرونده از اعضای این کانون بررسی شده و وضعیت اعضا جدید پیگیری شده است.



کانون سازندگان ساز با حضور علیرضا جاوید مقدم، مجتبی نوایی، تورج جمالی، ناصر برزی، هوشنگ اکبری و شاهرخ حاتمی در مجموع در ۳ جلسه ۹۹ پرونده از اعضا خود را بررسی کرده و به بررسی مشکلات کانون خود پرداختند.



کانون صدابرداران خانه موسیقی ایران با حضور علیرضا آزادگان مهر، امید انصاری، سوسن بخشایش، مهدی سالک اردستانی و محمود آیت در ۵ جلسه ۲۴ پرونده از اعضا جدید و قدیمی خود را بررسی کردند.



کانون ناشران خانه موسیقی ایران با حضور محسن رجب‌پور، غلامعلی علمشاهی، صدراالدین حسین‌خانی، علی عزیزی وستاره ترابی در ۳ جلسه‌ای که در سال ۱۴۰۱ برگزار شد ۴۷ پرونده از اعضا خود را مورد بررسی قرار دادند.



در مجموع در ۳ جلسه در طول سال ۲۶ پرونده را مورد بررسی قرار دادند.



کانون مدرسان خانه موسیقی ایران با حضور داود گنجه‌ای، محمد سریر، آذر هاشمی، مهدی مساح بیدگلی و هادی منتظری در مجموع در ۴ جلسه که از ابتدا تا انتهای سال برگزار شد ۱۳۱ پرونده را بررسی کردند.



کانون پژوهشگران خانه موسیقی ایران با اعضا خود یعنی حمیدرضا عاطفی، حمیدرضا اردلان، بهروز وجدانی، امیر عباس ستایشگر و بهروز مبصری در ۵ جلسه که از ابتدا تا انتها سال برگزار شده ۱۰ پرونده از اعضا و از متقاضیان عضویت را بررسی کرده‌اند.



جواد یساری مردی که تنها آرزویش خواندن است... در وطن...

نام کوچه بازاری یاد کردند و گویی خواستند این کار را سخیف کنند...
جواد یساری ۷۸ ساله این روزها دلخوش به نشستن در مغازه کوچکش در بازارچه شاپور و دیدن رفقای قدیمی است و تنها امیدش بار دیگر خواندن برای مردم سرزمینش است آنهم بعد از حدود ۴۳ سال ممنوعیت..
با جواد یساری، خواننده ایرانی چند ساعتی گپ زدم و آنچه در ادامه می‌خوانید ماحصل این گفت و گواست..

برای نسل من و چند نسل بعد از من موسیقی او و سبک خوانندگیش چندان دوست داشتنی نیست، شاید با تغییر فرهنگ و ظهور سبک‌های تازه در موسیقی این امر رخ داده باشد اما چه کسی می‌تواند منکر تاثیر او و افرادی چون او در زمانه خود باشد؟
در روزگاری که علاقه‌مندان عمدتاً مردم کوچه و بازار بودند برای برنامه‌های او سر و دست می‌شکستند...
خودش که حالا گرد پیری بر چهره‌اش نشسته می‌گوید موسیقی ما مردمی بود و عده‌ای جفا کردند و از آن با



همان روزها اهل شنیدن موسیقی بودید؟
بله.. کارهای گلپا را خیلی دوست داشتم یا ایرج. واقعا لذت می‌بردم..

در گذر ایام خواندن برای شما جدی شد و طبیعتاً باید وقت بیشتری به موسیقی اختصاص می‌دادید. اولین کار حرفه‌ای و رسمی شما چه کاری بود؟
اولین کار جدی من ترانه‌ای داشت به نام خوشگل و از همان کار شروع شد و من هم جدی تر شدم.
البته آن زمان باید ۱۰ کار می‌خواندیم تا تبدیل به کاست شود و بعد از ارائه اولین کاست اسم من بیشتر از همیشه سر زبان‌ها افتاد. لطف خدا شامل حال شد و مردم هم همراهی کردند اگر این مردم نبودند من هیچ نبودم.. اگر اشتباه نکنم در این سالها ۱۰۰ قطعه خوانده‌ام و جز به جز همه این کارها در ذهنم مانده.

دنیای کشتی و ورزش‌های باستانی فرسنگ‌ها از عالم موسیقی فاصله دارد. شاید به ندرت اشتراکی بتوان یافت اما شما این دو دنیا را کنار هم پیوند زدید و از ورزش کشتی به عالم خوانندگی متمایل شدید..

بله من در دوره جهان پهلوان تختی رزرو تیم ملی کشتی بودم ولی همان زمان در اردوها و تمرین‌ها برای خودم زمزمه می‌کردم. خوانندگی را دوست داشتم ولی در قلب و ذهنم بود کسی از علاقه من اطلاعی نداشت.

همان زمان یعنی حدود سال ۱۳۴۰ مغازه فروش یخچال و تلویزیون داشتم البته به صورت قسطی، یعنی اگر کسی خرید می‌کرد ماه به ماه مبلغی به من پرداخت می‌کرد ولی ورشکست شدم و به قول معروف صفر شدم.

از سر ناراحتی و بیکاری هر از گاهی می‌زدم زیر آواز (با خنده..)
کم کم عده‌ای از صدای من خوششان آمد و خواندن من جدی تر شد..

برای شما در وطن، همانجایی که آرزوی شما را داشتید مهیا شده، بعد از سالها ممنوعیت مجوز برپایی کنسرت گرفته اید..

نه مجوزی نگرفته ام. چند وقت پیش وزارت ارشاد دعوت کرد و گفتند می توانی برای مردم بخوانی، می توانی اجرا داشته باشی اما مجوزی به من داده نشد. نمی دانم بعد از سالها کم لطفی چه شد که دعوتم کردند ولی کاش زودتر بود که من هم جوان تر بودم. (سروش را پایین می اندازد و گریه می کند، دقایقی فقط اشک می ریزد و سکوت می کند.. و من به مردی فکر می کنم که در زندگی یک آرزو داشت، خواندن..)

اذیتان کردم؟

نه اصلا. من سه پسر داشتم، دو فرزندم فوت کردند. اگر زنده ماندم دلیلش این بود که برای مردم بخوانم. هیچ آرزویی ندارم. اما این روزها حال مردم خوب نیست. به من مجوز داده اند بعد از چهل و اندی سال اما همین حالا هم نمی توانم برای مردم بخوانم چون مردم بی انگیزه و بی رمق شده اند. حالا که ممنوع بودن ها تمام شده منتظرم تا یک بار در ایران و روبروی مردم بخوانم. من پیر شده ام عاشقم. عاشق موسیقی، آواز، ایران و ...

الان شرایط مردم و موسیقی تغییر کرده و من اگر روزی قرار باشد بخوانم باید حواسم را جمع کنم که مردم را نا امید نکنم..

برخورد مردم این روزها با شما چه گونه است؟

اوایل انقلاب بعضی برخوردها خوب نبود. بعضی حتی جواب سلام ما را نمی دادند. اما کم کم من را شناختند. بارها افراد مختلف به مغازه من آمدند و ساعت ها دردل کردیم. باور نمی کنید چه قدر جوان ها به من سر می زدند. من با سیگار خیلی مخالفم و تلاش می کنم بچه ها را نصیحت کنم سیگار نکشند. حالا همه مثل خانواده من هستند. مثل برادرانم..

در این سالها موسیقی و آثار نسل جوان را پیگیری کردید؟

از امروزی ها صدای محمد اصفهانی را دوست دارم. صدای دلنشینی دارد.

هر چیزی که شعر خوب و پر معنای داشته باشد دوست دارم و می شنوم. کارهایی شنیده ام که شعرهای خوبی ندارد، حرف های مبتذلی دارد آن ها را دوست ندارم ولی طرفدار جوان ها هستم..

سالهاست در عرصه موسیقی فعالیت نکردید اما مردم هنوز خاطره کارهای شما را در ذهن دارند، مردم برای شما وهنرتان احترامی بسیار قائل اند..

بغض می کند.. چشم هایش تر می شود. دلم برای مردم تنگ شده.. می خواهم یک بار هم که شده ببینمشان. این روزها دلم گرفته. اگر خدا یاری کند می خواهم حال مردم را خوب کنم..

من این روزها کمی حواس پرتی دارم. بعضی دوستانم باید یک حرف را چند بار تکرار کنند و آخرم می گویند حواست کجاست؟ اما تمام کارهایی که خواندم در ذهنم مانده. هیچ کدام فراموشم نشده . دلیلش هم عشق بی اندازه من به موسیقی و خواندن است. همین الان هم با عشق به خواندن زنده ام..

اما جواد یساری با تمام عشقش به آواز خواندن ممنوع الکار می شود. ان هم نه یکی دو روز و یکی دو سال، سالهاست شما در ایران ممنوع الکار هستید .. روزهای عجیبی بر شما گذشته است.

آخرین کار من آلبومی بود با نام سپیده دم که خیلی سر و صدا کرد و مردم دوستش داشتند. من تا سال ۱۳۵۶ آواز خواندم و از سال ۵۷ به بعد ممنوع الکار شدم. اوایل جنگ بود و کشور ملتهب بود. ولی بعد از جنگ هم نشد که نشد. خواندن برای من شد یک آرزو..

دلیل این هم سال مجوز ندادن و ممنوع شدن چه بود؟ کسی توضیحی داد؟ خطایی از شما سر زده بود؟

من هر بار پیگیری کردم گفتند شما خواننده قبل انقلابی بودی، خواننده کاباره بوده ای!!

من بارها گفتم آن زمان خواندن در کاباره رسم بود ولی کسی قانع نشد. گفتند کارهای تو کوچه بازاری بوده. این کوچه بازاری گفتن هم توسط بچه های رادیو تلویزیون باب شد و سر زبان ها افتاد. کار من مردمی بود. مدام با لفظ کوچه بازار خواستند القا کنند که من مبتذل و سخیف بودم که نبودم. ما هم زحمت کشیدیم. نه فقط من تمام ترانه سراها و آهنگسازان آن روزها. با یک کلمه که نمی شود همه چیز را نادیده گرفت. تمام ترانه ها و شعرهای من درست انتخاب شده بود. همیشه گفتم شعر و ترانه در موسیقی حرف اول را می زند به همین دلیل حواسم جمع بود که کار بی معنا نخوانم. اگر کار من بد بود چرا مردم دوست داشتند؟

به من گفتند لاله زاری هستی.. دوستان یادشان نمی آید لاله زار زمانی برای خودش مانند یک دانشگاه بود. پاتوق هنرمندان و روشنفکران. حالا کسی را بخواهند بی آبرو کنند می شود لاله زاری..

بعد از تمام این سنگ اندازی ها تصمیم گرفتید از ایران مهاجرت کنید؟

نه هرگز.. من هیچ وقت نرفتم. من ماندم. چرا بروم؟ خیلی ها گفتند یساری از ایران رفته ولی من ماندم.

پسرانم از ایران رفتند خیلی اصرار کردند که بروم یا برای من اقامت بگیرند اما حاضر نشدم وطنم را ترک کنم فقط گاهی برای دیدن بچه ها رفتم و برگشتم. یا گاهی خارج از ایران اجرایی داشتم که رفتم و باز گشتم. مثلا استرالیا، لندن، دبی و.. اجرا داشتم و چه قدر هم استقبال شد. ولی نماندم و برگشتم. من ایرانی ام و فقط یک آرزو دارم.. آواز خواندن در ایران.

شنیده ام حالا و بعد از این همه سال شرایط خواندن



آریژ تیموریان*

استودیوهای خانگی

اما به راستی استودیوهای ضبط موسیقی چه نقش مهمی را چه تاریخ موسیقی این مرز و بوم ایفا کرده اند و امروز هنرمندان ما چه راحت از کنار این امکان قابل احترام می‌گذرند.

در ظاهر این طور به نظر می‌رسد چون تعداد استودیوهای ضبط موسیقی مخصوصا در پایتخت افزایش یافته پس خدمت رسانی به مسئله‌ی موسیقی هم فزونی یافته است. شاید تعداد تولید آثار موسیقایی بالا رفته باشد اما آیا آن‌ها از همان کیفیتی برخوردار هستند که مد نظر صاحب نظران موسیقی است؟ اصلا هدف از انتشار آلبوم موسیقی چیست؟ آیا فقط برای مطرح شدن نام دست‌اندرکاران آن اثر است یا ارتقا سطح کیفی موسیقی ایران با در نظر گرفتن تمام جوانب آن؟

اگر به آثار پاپ کلاسیک دهه پنجاه گوش فرا دهیم در می‌یابیم که آن آثار، هنوز از طروات و احساس خاص خود برخوردارند آثاری که بزرگانی چون واروژان، اسفندیار منفرد زاده و بابک بیات و... آهنگسازی آن‌ها را بر عهده داشتند و همچنین آثاری که از برنامه‌های گلها و تکنوازان و... به جای مانده است. فارغ از کیفیت مطلوب آهنگسازی و نوازندگی این آثار آیا از کیفیت مطلوب صدابرداری هم بهره نبرده اند که هنوز پس از گذشت بیش از چهار دهه هنوز می‌توانیم با دل و جان به آن‌ها گوش فرا دهیم؟

به راستی یک قطعه موسیقی بدون کلام خوب از چه استانداردهایی بهره می‌برد؟

از نظر نگارنده این مطلب یک قطعه خوب و ماندگار از این بخش‌ها تشکیل می‌شود: یک آهنگسازی خوب - دو تنظیم خوب قطعه - سه نوازندگان خوب - چهار سازی درجه یک برای نوازندگان - پنج استودیو ضبط صدا با تجهیزات خوب و به روز - شش صدابردار خوب و متخصص - هفت استاد میکس و مسترینگ

در کشور ما استودیوهای خوب و استانداردی در حال فعالیت هستند که اتفاقا اکثر آثار ماندگار قدیم خروجی همین استودیوهاست اما به دو علت در حال حاضر هنرمندان کمتر به آن‌ها رجوع می‌کنند: یک هزینه‌ی بالای آن‌ها - دو تمام آن‌ها فقط در پایتخت مشغول فعالیت هستند.

برای مثال یک آهنگساز که در شهری به جز تهران زندگی می‌کند باید در وقت معینی تمام نوازندگان پروژه خود را به تهران

روزگاری موسیقی دانان ما برای ضبط نوای ساز خود بر روی صفحه به فرنگ سفر می‌کردند و چه مشقت‌هایی که متحمل نمی‌شدند. بخشی از آن خون دل خوردن‌ها را زنده یاد استاد علی حاتمی در فیلم دلشدگان به تصویر کشیده است. سپس با پیدایش رادیو در ایران نوازندگان و موسیقی دانان ما صاحب استودیو موسیقی و برنامه زنده رادیویی شدند که گاه این برنامه‌ها به طور زنده پخش می‌شد و گاه ضبط و بعد به گوش مخاطبین می‌رسید که از این آثار ضبط شده آرشیه‌های ارزشمندی به جای مانده است، برنامه‌هایی چون گل‌های رنگارنگ، گل‌های تازه، برگ سبز، تکنوازان و... که از فرهنگ موسیقایی خاص خود بهره مند هستند. از زمانی که کمپانی‌های صفحه پر کنی و بعد از آن انتشار نوار کاست و سپس سی دی در ایران آغاز به کار کردند شنیدن موسیقی برای مردم بسیار راحت تر شد و امروزه شاهد آن هستیم که تنها با یک کلیک مخاطب می‌تواند از طریق اینترنت موسیقی مورد علاقه خود را به صورت آنلاین بشنود.





روز را نمی داد.

یک استودیو رسمی چون از حمایت مالی برخوردار است تجهیزات خود را تا حد امکان به روز رسانی می کند این در حالی است که یک استودیو خانگی به خاطر عدم حمایت مالی مجبور به تهیه پایین ترین تجهیزات صوتی می باشد و این مسئله به طرز قابل توجهی در کیفیت آثار تولیدی تاثیر می گذارد.

اما چندی است اتفاق دیگری در حال وقوع است که همین استودیوهای خانگی یا زیر زمینی با همین کیفیت متوسط یا شاید پایین، دست به ضبط دیگر آثار بزرگ می زنند و در واقع استودیو خانگی از یک استودیوی شخصی به یک استودیو عمومی بدل گشته است. این در حالی است که اکثر صدابرداران این استودیوها به طور آکادمیک تعلیم ندیده اند و به تحصیل رشته صدابرداری نپرداخته اند و فقط با اطلاعات شخصی و آزمون و خطا دست به این عمل می زنند.

اخیرا خانه موسیقی ایران، مجتمع فنی تهران، کنسرواتوار تهران به طور آکادمیک به پرورش صدابرداران پرداخته اما از شواهد پیداست که سرعت رشد استودیوهای خانگی و صدابرداران خانگی و کم تجربه که پس از چند ضبط دیگر کار هیچ استاد و استودیویی را قبول ندارند رو به رشد است.

در قدیم یکی از ویژگی های اثر خوب این بود که در کدام استودیو و توسط کدام صدابردار ضبط گردیده و خود نام استودیو و صدابردار بر اعتبار آن اثر می افزود اما امروزه این موضوع اصلا حائز اهمیت نیست و فقط به تولید و انتشار و بازار فکر می شود.

شاید اگر تسهیلاتی برای تاسیس استودیوهای حرفه ای در اختیار موسسان آن ها قرار گیرد سطح کیفی آثار رشد کند و شاید اگر استودیوهای حرفه ای با کمک دولت در شهرستان ها افتتاح گردد آثار مطلوب تری به گوش رسد و مانا گردد.

*روزنامه نگار و نوازنده سازهای کوبه ای

دعوت کند و در وقت محدودی آثار خود را با آن ها ضبط نماید که خود این کار به غیر از هزینه استودیو هزینه سنگین اسکان نوازندگان را در بر دارد یا فقط از نوازندگان مقیم تهران استفاده نماید که این رفتار باعث ضربه خوردن و بی انگیزه شدن نوازندگان شهرستانی می شود و آن ها هیچ گاه نمی توانند آن طور که حششان است در جامعه موسیقی مطرح گردند.

در چند سال اخیر با پیدایش استودیوهای خانگی و نرم افزارهای موسیقی و دی وی دی های خود آموز این نرم افزارها و همچنین کلاس های متفرقه آموزش صدابرداری و کلاس های اینترنتی و آموزه های یوتیوب، اکثر نوازندگان خود به تاسیس استودیوهای شخصی پرداخته اند و نام استودیو خانگی (هوم استودیو) برای آن انتخاب گردید این موضوع از وقتی رواج بیشتری یافت که ژانری خاص در موسیقی ایران به فعالیت پرداخت که موسیقی زیر زمینی نام گرفت. آثار تولیدی آن ها از سوی وزارت ارشاد مجوز انتشار نمی گرفت و استودیوهای رسمی هم یا اجازه ضبط آثار آن ها را نداشتند یا سلیقه ی آن ها با آن نوع موسیقی هم گام نبود و یا خطر نمی کردند چرا که این عمل پیگرد قانونی داشت در نتیجه گروه های زیر زمینی، در استودیوهای خانگی خود اقدام به ضبط موسیقی می کرده و از طریق اینترنت و شبکه های مجازی آثار خود منتشر می کنند. اکثر این استودیوها فاقد کیفیت مطلوب صدابرداری هستند. از نظر آکوستیک، به طور علمی آکوستیک نشده اند چرا که یک استودیو با قاعده باید توسط مهندسین صوت و متخصصان علم آکوستیک عایق بندی گردد. شخصا با این موضوع روبرو شده ام که صدابردار کمد دیواری اتاق را به عنوان ضبط انتخاب کرده و نوازنده در آن فضای کوچک و فاقد احساس باید به نوازندگی بپردازد و یا ساعات خاصی را مجبور به ضبط بوده است چرا که سر و صدای آپارتمان مسکونی اجازه فعالیت در همه ساعات

در گفت و گو با حمید ذبیحی، سازنده و مخترع ساز

نمی‌خواهم نامم به زیر خاک رود

سرپرست گروه آئینی سنتی "ورشرنگ" در سبزواری و نوازنده نی و دوتار و ساز قشمه است. همزمان به کارهای صنعتی علاقه بسیار زیادی دارد و به قول خودش مدام در حال ساخت وسیله‌ای تازه برای مصارف گوناگون است. از جمله افرادی است که آثار هنری را ثبت اختراع کرده و در تلاش است تا در وادی هنر طراحی نو درآید. حمید ذبیحی هنرمند اهل سبزواری بنا بر پیشنهاد آستان قدس رضوی، ساز نقاره را با شکل و صدایی تازه طراحی کرده و شاید این روزها اگر سفری به شهر مشهد داشته باشید صدای این ساز را متفاوت تر از همیشه بشنوید. حرف‌های حمید ذبیحی در مورد طراحی این ساز و دیگر ساخته‌هایش در گفت و گو با خانه موسیقی ایران را اینجا مطالعه کنید.



یکی از اختراعات شما که اتفاقاً به ثبت رسید در مورد ساز قشمه بود. از آن دست ادوات موسیقی که شاید کمتر نامش را شنیده باشیم و بنا به رسم همیشگی از استخوان عقاب برای ساخت این ساز استفاده می‌شد تا اینکه شما طراحی متفاوتی برای ساخت ساز ابداع کردید...

بله. برای ساخت این ساز باید حتماً از استخوان عقاب یا درنا استفاده شود. یعنی باید پرندهای به زیبایی عقاب کشته شود و شکار شود تا سازی ساخته شود.

این ماجرا خیلی من را آزار می‌داد و من برای جلوگیری از کشته شدن این حیوانات کمیاب تصمیم گرفتم این ساز را با پلاستیک فشرده و به روش صنعتی تولید کنم. در حقیقت تلاش من به این دلیل بود که حیوانی آسیب نبیند...

خب از منظر صدا ساز چه تغییراتی داشته است؟

هیچ تغییری... مدت‌ها بررسی کردم و در نهایت با این روش سازی ساختم که هیچ تغییری نسبت به ساز اصلی ندارد. همان صدا و با همان کیفیت ارائه می‌شود. این ساز از جمله سازهای مهم سرزمین ماست و من تلاش کردم سازی خلق کنم که بتوان بارها و بارها ساخت بدون کمترین آسیب به محیط زیست و حیوانات.

به نظرم مهم‌تر از ساخت ساز دغدغه، فکر و اندیشه‌ای است که در پس ساخت این ساز قرار دارد و بسیار مایلم در مورد این دغدغه بیشتر بدانم..

هستند و رمز این اتفاق استفاده از آلیاژ طلاست. من حتی برای بهتر شدن صدا ورق آلومینیوم از اصفهان آوردم و در داخل نقاره کار کردم تا صدا بهتر باشد.

این پیشنهاد و این طراحی از جانب آستان قدس پذیرفته شد؟

به سختی.. خیلی مقاومت کردند. از آنها خواستم با این روش سازهای جدید ساخته شود که به سختی پذیرفتند. حتی پیشنهاد دادم من تمام پژوهش‌ها و نقشه ساخت ساز را هم در اختیارشان قرار می‌دهم تا هر زمان خواستند باز بتوانند ساز را تولید کنند اما خیلی مطلوبشان نبود.

استفاده از ورق طلا در ساخت ساز مستلزم هزینه بالایی است. هزینه‌ها چه طور تامین شد.

هزینه پیشنهادی من حدود ۲۵۰ میلیون بود و البته فردی خیر در خارج از ایران پذیرفته بود که هزینه را تقبل کند اما تشریفات حرم نپذیرفت و من در نهایت حدود ۶ میلیون برای ساخت تجهیزات دریافت کردم. حتی دستمزدی به من داده نشد.. استدلال من این بود که در هیچ کجا مکان مذهبی موسیقی خود را ندارد و تنها حرم امام رضا (ع) است که موسیقی شناخته شده‌ای با این ساز دارد و کماکان باید حفظ شود اما استدلال من خیلی مورد اقبال قرار نگرفت.

تفاوت ساز نقاره شما با ساز قدیمی چیست؟ در کیفیت صدا تغییری ایجاد شده؟ یعنی کسی که در حرم ایستاده باشد حس می‌کند انگار این صدا همان صدای همیشگی نیست و تغییری داشته؟

بله.. نقاره اصلی تنها یک نت دارد و ساز من ۵ نت را ارائه می‌دهد. اتفاقاً صدای یکدست و یکسانی هم دارد. من ساز را به محمدرضا درویشی هم نشان دادم و ایشان تایید کردند. نکته بعد اینکه با این ساز هر کس با آموزشی کوتاه می‌تواند صدای ساز را به خوبی درآورد و تمام سختی‌های ساز سنتی و قدیمی مرتفع شده است.

در نهایت شما چند ساز برای حرم امام رضا (ع) تولید کردید.

من ۲۰ ساز تحویلشان دادم. ۱۰ ساز با همان شمایل قدیمی و ۱۰ ساز هم با روش جدید که افراد تازه کار بتوانند به راحتی با آن بنوازند. هرچند که بعد از تحویل سازها حتی یک تقدیر نامه، تشویق نامه یا هر چیز اسمش را می‌گذارید به من تحویل داده نشد... ولی خوب... ایرادی ندارد... من با امام رضا (ع) معامله کردم.

من دنیا را از دریچه خلق کردن می‌بینم. به این فکر می‌کنم که اسسم با جسمم زیر خاک نباشد. برای طبیعت احترام ویژه‌ای قائلم مثلاً عقاب از لحاظ زیبایی بسیار قابل ستایش است و چرا برای ساخت سازی باید عقابی کشته شود؟ من دوست دارم در این فرصت محدود زندگی اثری از خود باقی بگذارم اثری که بتواند به آیندگان کمک کند و یا گره‌ای از کار خلق باز کند..

با همین جنس دغدغه ساخت نقاره را هم شروع کردید؟

روزی از حرم امام رضا (ع) با من تماس گرفتند و من ملاقاتی با رییس تشریفات حرم داشتم. از نوازندگان نقاره به شدت ناراضی بودند. ظاهراً عده‌ای که متبحر بودند قهر کرده و رفته بودند و عده کمی مانده بودند که نمی‌توانستند از نقاره صدای خوبی استخراج کنند. به دنبال ساخت سازی بودند که این سختی‌ها را کمتر کند. به هر حال نقاره ساز سختی است و نواختنش قلق دارد. من ابتدا صدای ساز را کامل ضبط کردم که متأسفانه خیلی فالش بود. یکی از سازها را به امانت گرفتم تا کامل کالبد شکافی کنم و ببینم ساز و کار این ساز چه گونه است و چه نوع صدایی می‌توان از آن دریافت کرد. خلاصه بعد از مدتی بالاخره زوایای ساخت این ساز را پیدا کردم.

تا قبل از این پیشنهاد با این ساز کار کرده بودید و یا آشنایی با نقاره داشتید؟

خیر.. هیچ آشنایی. اولین بار بود که با این ساز مواجه شدم..

پس سختی کار برای شما دوچندان بوده..

بله بله کاملاً.. من ۸ ماه شبانه روز روی ساخت ساز وقت گذاشتم. بالای ۱۸۰۰ کیلومتر را بارها رفتم و برگشتم. از سبزواری به مشهد و بالعکس.. به هر حال از من خواسته بودند ساز به نحوی طراحی شود که به راحتی بتوانند با آن در مراسم مختلف حرم نوازندگی کنند. البته خیلی ایرادها گرفته شد و در نهایت گفتند ساز را با همان شکل و شمایل قدیمی می‌خواهند. من هم ساز را با فرمت قدیمی طراحی کردم و وقتی صدای ساز را شنیدند لب به تحسین باز کردند.

شگرد شما برای ساخت ساز نقاره و کیفیت صدای بهتر چه بود؟

من بر روی این ماجرا بسیار تحقیق کردم و متوجه شدم باید در ساخت ساز از آلیاژ استفاده کرد. ناقوس کلیسا وقتی نواخته می‌شود هر کس در هر فاصله صدایی یکسان می‌شنود. چه آنها که کیلومترها دورتر از ناقوس هستند و چه آنها که داخل کلیسا

گفت و گو با علی فیروزه چی

نواختن پیانو با سازه‌های مرواریدی...!



ذهنم رسید. چون فراغت داشتم شروع به کار کردم و توانستم پیانویی با مروارید بسازم. تقریباً برای این کار حدود ۴ ماه و تقریباً حدود ۲۰ ساعت وقت گذاشتم. بعد از ساخت این کار علاقمند شدم پیانوهای دیگر سازهای متفاوت طراحی کنم و قطعاً به بازار فروش محصول هم فکر کردم. البته خیلی‌ها در مواجهه با قیمت می‌گویند این که پول یک پیانو است!! و من در پاسخ می‌گویم این هنر دست من بوده. هنری تمام وقت و در حقیقت طراحی من بوده. نور چشمم را برای این کار گذاشتم و حالا بگذریم از هزینه مترتال و...

علی فیروزه چی، مبتکری باذوق است که از کودکی دلبسته موسیقی بوده. دست بر قضا مسیر زندگی او به سمت و سوی موسیقی کشیده شد اما متفاوت تر از دیگران. او علاوه بر تدریس پیانو مدت هاست زندگی خود را صرف طراحی‌های خاص کرده و از مدتی قبل ساخت سازهای موسیقی با مروارید را شروع کرده و این هنر دست ظریف را به دیگران عرضه می‌کند.

موسیقی از چه سالی با شما عجین شد؟

موسیقی را از سال ۶۲ شروع کردم و عاشق موسیقی بودم. موسیقی را با استاد انوشیروان روحانی شناختم و عاشق شدم. وقتی پیانو نوازی‌های انوشیروان روحانی را می‌دیدم احساس می‌کردم از زمین جدا شدم و درکی از اتفاقات پیرامونم ندارم. انگار در جهان دیگری هستم. خلاصه از همانجا آموختن موسیقی برای من جدی شد البته مادرم هم صدای بسیار خوبی داشت و شاید این علاقه‌مندی ژنتیکی به من هم رسیده بود.

برای ساخت یک پیانو چه تعداد مروارید استفاده کردید؟

پنج‌هزار و هفتصد و خورده‌ای مروارید در تولید این پیانو استفاده شده. یعنی حدود ۵ میلیون فقط هزینه خرید مروارید شده. حالا انرژی و وقت و ... که بماند.

این پیانوهای مرواریدی فروش هم داشته؟ یعنی عواید مالی برای شما دارد؟

برای جشنواره موسیقی امسال محمد الهیاری می‌خواست به عنوان هدیه این کارها را ارائه دهند اما در نهایت به لحاظ مالی به توافق نرسیدیم. خارج از ایران استقبال از این کار زیاد است اما اینجا سخت‌گیری در خرید بیشتر است.

تحصیلات آکادمیک موسیقی هم داشتید؟

نه همه چیز برای من تجربی بوده. کتاب‌های مختلف خواندم اما کاملاً تجربی موسیقی را آموخته‌ام. البته در ترکیه هم با ایرانی‌ها برنامه موسیقی اجرا کردیم ولی داخل کشور تمام فعالیت‌های من انفرادی بوده است.

طراحی سازهای موسیقی با مروارید هم به نظرم داستانتان جالبی باید داشته باشد. از کجا شروع شد و چه گونه به این ایده رسیدید؟

من ذاتاً آدم صبوری هستم و اتفاقاً کارهای ظریف برای من همیشه جذاب است. همسر من در کار تهیه سفره عقد و طراحی‌های آن بود. روزی از من خواست در کاری به او کمک کنم و ناخودآگاه به این کار علاقه‌مند شدم و شروع به طراحی در این زمینه کردم. در مورد هدیه‌ها و آثار حجمی فعالیت کردم. اما شروع ساخت پیانو با مروارید مصادف شد با دوران کرونا. مریض بودم در خانه مثل همه قرنطینه شده بودم. حوصله‌ام به شدت سر رفته بود و خیلی اتفاقی این ایده به

در خارج از ایران کارهایی از این دست داشتیم؟

خیر تا جایی که خبر دارم وجود ندارد. اساساً این نوع ابتکارات برای ایرانی‌ها است و بس..

سازهای دیگری هم قرار است با این روش ساخته شود؟

بله. سنتور و تمبک در برنامه من است و به زودی آنها را با مروارید خواهم ساخت و شاید به زودی در منزل هر کدام از اهالی موسیقی این سازهای مرواریدی دیده شود.

درباره دومین کتاب خاطرات میلاد کیایی تیغ سانسور گریبان خاطراتم را گرفت



کتاب "دل به دریا زدن" شامل بخشی از خاطرات میلاد کیایی، نوازنده سنتور و آهنگساز است که قرار است بزودی منتشر شود.

میلاد کیایی، آهنگ ساز و نوازنده سنتور در گفت و گو با خانه موسیقی ایران اعلام کرد: حدود ۱۸ سال پیش کتابی با نام "راز آشکارا" از من منتشر شد که متأسفانه آن زمان حدود ۸۳ صفحه از این کتاب سانسور شد. خاطرات من در کتاب "راز آشکارا" جنبه سیاسی نداشت بلکه واقعیت‌های مستند از دنیای هنر بود که اجازه انتشار نگرفت. مثلاً در آن کتاب گفته بودم محمودی خوانساری یا عبدالله دوامی که از خوانندگان مطرح گل‌ها بود چگونه فوت کردند؟ هرچند من می‌دانم که آنها دق کردند. یا سرگذشت امیر ناصر افتتاح از بزرگان تمبک نوازی چه شد؟ وقتی بخش‌های سانسور شده را به دوستانم دادم و مطالعه کردند اشک از چشمان همگی سرازیر شد که چه بر سر هنرمندان ما در این سالها آمده است.

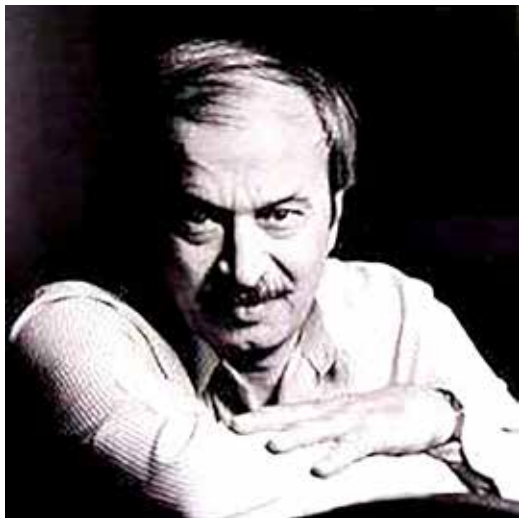
به هر حال کتاب "راز آشکارا" با وجود سانسور بی رحمانه به چاپ هفتم رسید و بسیار مورد استقبال قرار گرفت. وی در ادامه در مورد انگیزه نگارش کتاب دوم خود می‌گوید: من بسیاری از خاطرات هنری و تجربی خودم را نوشته‌ام تا اینکه مدتی پیش با همت تعدادی از دوستان تصمیم گرفتیم کتاب دیگری منتشر کنیم که شامل ده درصد از خاطرات هنری و تجربی من است. البته دلیل اصلی نگارش این کتاب انتقال تجربه‌ها و درس‌های زندگی من به نسل جوان و علاقه‌مند موسیقی است. به هر حال عمر من صرف کسب این تجربه‌ها شده و من تمام این تجربه‌ها را به نسل بعد منتقل می‌کنم تا زندگی آنان متفاوت‌تر سپری شود.

میلاد کیایی در مورد نام این کتاب گفت: عنوانی که برای این کتاب مدنظر داشتم این بود: "دل به دریا زدن دم نزن می‌خواهد" اما بخش دم این نوشته حذف شد و عنوان کتاب شد: "دل به دریا زدن"

باید اشاره کنم چاپ کتاب در این زمانه هزینه‌های کمرشکنی دارد و قیمت کاغذ سر به فلک می‌کشد اما با همیاری دوستان این کتاب در ۳۰۰ صفحه آماده شده و نیمه اول فروردین ماه در دسترس علاقمندان قرار می‌گیرد. وی در پاسخ به این سوال که کتاب "دل به دریا زدن" تا چه حد اسیر سانسور شده است گفت: با وجود پیگیری‌های متعدد اما در نهایت ۸ صفحه از خاطراتم در این مجموعه حذف شد و هنوز نمی‌دانم دلایل آن چیست.

وداع بانوازنده برجسته نی

حسن ناهید



حسن ناهید از پیشکسوتان عرصه نی نوازی پنجشنبه ۲۷ بهمن‌ماه در سن ۷۷ سالگی دار فانی را وداع گفت. حسن ناهید از جمله هنرمندان معتبر موسیقی ردیف دستگاهی ایران است که سال ۱۳۲۲ در کرمان متولد شد. او مدت‌ها پس از فراگیری آموزش‌های لازم در عرصه نوازندگی نی در ارکستری با همراهی هنرمندانی چون اسدالله ملک، منوچهر جهانگیرلو، فرهنگ شریف و محمودی خوانساری و تعدادی دیگر به اجرای برنامه پرداخت. وی در همان دوران فعالیت‌هایی در ارکستر «درویش» رادیو داشت و سپس برای شرکت در ارکستر رودکی متشکل از ابراهیم منصوری، حبیب‌الله بدیعی، علی تجویدی، احمد عبادی، رضا ورزنده، علی اصغر بهاری و فرهاد فخرالدینی دعوت و به فعالیت در این مجموعه مشغول شد.

نوازندگی در ارکستر گروه «پایور» به سرپرستی فرامرز پایور، برگزاری کنسرت در کشورهای ترکیه، بلغارستان، یوگسلاوی، ایتالیا، فرانسه، بلژیک، هلند، آلمان و اتریش، انتشار آلبوم «گل و نی» شامل تک نوازی نی و دو نوازی با تمبک در دستگاه نوا، شوشتری و ماهور، انتشار آلبوم «آوای نی» شامل تک نوازی در دستگاه‌های بیات ترک، بیات اصفهان، ابوعطا و مخالف سه گاه بخشی از فعالیت‌های زنده یاد حسن ناهید در عرصه موسیقی است.

مرحوم ناهید در سال ۱۳۴۱ توسط حسین قوامی به برنامه «گل‌ها» نیز دعوت و همکاری خود را در این مجموعه برنامه رادیویی آغاز کرد. او بعدها در ارکستر فرامرز پایور به نوازندگی نی پرداخت و در سالهای بعدتر موفق به اخذ مدرک درجه یک هنری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شد. نوازندگی در ارکستر «گل‌ها» به رهبری روح‌الله خالقی، نوازندگی در ارکستر «صبا» به رهبری حسین دهلوی،



آه از آن رفتگان بی برگشت...

واژه‌ها و کلمات، نوشتن‌های بی وقفه، حرف زدن‌های پی در پی و هر آنچه آدمی با آن عجین است چیزی از غم روزگار گذشته و رنج از دست دادن آشنایان و دوستان و... کم نمی‌کند. هر رفتنی سوگی عمیق و تلخی بی پایان در دل آدمی به جا می‌گذارد. در سالی که سپری کردیم جامعه موسیقی ایران داغدار هنرمندان و عزیزان بسیاری بود و این یادنامه برای هنرمندانی است که در سال ۱۴۰۱ از این دنیای فانی رخت بر بستند.

۱۴ اردیبهشت؛ درگذشت یک استاد ترکمن

حاجی گلدی برزین (گرکزی) کمانچه نواز مطرح ترکمن پس از چند سال بیماری روز چهارشنبه هفتم اردیبهشت در انزوا و تنگدستی درگذشت.



حاجی گلدی برزین اهل روستای گرکز از توابع شهر کلاله بود که طی هشت سال گذشته به بیماری پارکینسون دچار شده و زمین گیر شده بود. او چند هفته قبلش دچار شکستگی لگن شد و همین موضوع باعث وخامت حالش شد و عفونت حاصل از زخم بستر او را در انزوا به کام مرگ کشاند.

زنده یاد برزین طی سال‌های فعالیتش بخشی‌های دیارش من جمله عاشورگلدی برزین را با کمانچه‌اش همراهی کرده بود.

۲۲ اردیبهشت؛ درگذشت آهنگساز و مدرس پیانو

بر اثر سرطان

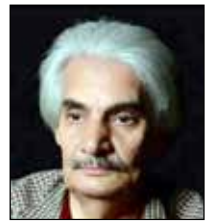
میترا بصیری (آهنگساز و مدرس پیانو) پس از سال‌ها مبارزه با بیماری سرطان، روز پنجشنبه بیست و دوم اردیبهشت ماه درگذشت.



بصیری زاده؛ متولد هشتم خردادماه سال ۱۳۳۶ در تهران بود و موسیقی را ابتدا با ساز پیانو آغاز کرد و یکی از شاگردان امانوول ملیک اصلانیان محسوب می‌شد. او آموزش اصولی آهنگسازی، هارمونی، کنترپوان و فرم را نزد کامبیز روشن روان آموخت و در دهه هفتاد فعالیت حرفه‌ای خود را با

فروردین؛ آغاز سفر ابدی نوازنده موسیقی لرستان

محمدرضا کریمی از پیشکسوتان موسیقی لرستان روز چهارشنبه هفدهم فروردین ماه در ۶۹ سالگی درگذشت.



این هنرمند طی پنج دهه فعالیت در عرصه موسیقی لرستان در اجراهای بسیاری حاضر بود و در عین حال شاگردان بسیاری را هم در عرصه تنبک‌نوازی تربیت کرد. کریمی در نوازندگی و تدریس تنبک، از پیروان مکتب زنده‌یاد حسین تهرانی بود.

محمدرضا کریمی متولد ۱۳۳۲ بود که از یکم خرداد ۱۳۵۲ به استخدام اداره فرهنگ و هنر درآمد. صدای تنبک او در آلبوم‌های ماندگاری مانند «سوار»، «سفیدکوه»، «یافته»، «کوچ»، «آرزو»، «آئینه اشک»، «سفره دل»، «نسیم دل» و «همدنگ» به یادگار مانده است. وی در سال ۱۳۵۰ نژخوانی و تنبک‌نوازی را به صورت حرفه‌ای نزد مرحوم استاد حسین تهرانی فرا گرفت. نخستین کار او با عنوان «چشمان قشنگ» با صدای زنده‌یاد «رضا سقایی» خواننده اسطوره‌ای لرستان به صورت صفحه در تهران ضبط شد. استاد فرج علیپور، مرحوم حشمت‌اله رشیدی، محمد میرزاوند، ایرج رحمانپور، بهمن اسکینی، غلام سبزی‌علی، علی حسین شمس، فضل‌الله صفاری از جمله خوانندگانی بوده‌اند که محمدرضا کریمی با آن‌ها در پروژه‌های مختلف موسیقی همکاری کرده است. ضمن اینکه وی با نوازندگانی مانند مرحوم حسین سالم، رامین دربندی، منصور سالم، فیروز گودرزی، صادق سیف، فرج علی‌پور و با اساتید برجسته موسیقی ایرانی از جمله مرحوم استاد محمدرضا لطفی، حسین علیزاده و کامکارها همکاری داشته است.

مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته آهنگسازی با نمره ۲۰ و درجه‌ی ممتاز دریافت کرد. وی از سال ۱۳۹۳ تدریس دانشگاهی را آغاز کرد و طی سال‌های اخیر در دانشکده موسیقی دانشگاه هنر به تدریس دروس تخصصی آهنگسازی اشتغال داشت.

۲۶ تیر؛ سفر به دیار باقی یک نوازنده پیشکسوت

سیاوش نورپور از نوازندگان پیشکسوت موسیقی ایرانی و موسیقی محلی کرمانشاهی روز بیست و ششم تیرماه در سن ۷۳ سالگی دار فانی را وداع گفت.



این هنرمند در بیست و هشتم آذر ماه سال ۱۳۲۸ در محله‌ی فیض‌آباد متولد شد. از سال ۱۳۵۰ نزد استاد منصور معارفی ردیف‌های موسیقی ایرانی را فرا گرفت و از همان سال تا سال ۱۳۵۳ با ارکستر فرهنگ و هنر موسیقی کرمانشاه همکاری مستمر داشت. مرحوم نورپور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همکاری خود را با رادیو و تلویزیون کرمانشاه آغاز کرد و در سال ۱۳۵۸ با گروه مرکز حفظ و اشاعه موسیقی کرمانشاه با نظارت مرحوم مسعود زنگنه سرپرستی گروه تیتور نوازان را بر عهده گرفت. شهرام ناظری، سیدجلال‌الدین محمدیان، مرحوم منوچهر طاهرزاده، مرحوم حشمت اله لرنژاد، حسین البرزی و علی علی‌بیگی از جمله خوانندگانی بودند که وی با آنها همکاری داشت.

۶ مرداد؛ درگذشت یک پژوهشگر شناخته شده

موسیقی

امیر اشرف آریان‌پور موسیقیدان و پژوهشگر پیشکسوت روز پنجشنبه ۶ مرداد به علت ایست قلبی جان به جان آفرین تسلیم کرد.



امیر اشرف آریان‌پور یکی از شناخته شده‌ترین مدرسان، پژوهشگران و آهنگسازان موسیقی در کشورمان است که طی دهه‌های اخیر نقش قابل توجهی در حوزه پژوهش و نگارش کتاب‌های مرجع حوزه موسیقی داشته است. تدریس در چندین مرکز آموزش عالی کشورمان از جمله هنرستان موسیقی ملی، دانشگاه تهران، دانشگاه هنر، دانشگاه صداوسیما، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه سوره، دانشگاه جامع علمی کاربردی، استاد راهنمای بیش از ۵۰۰ پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد بخشی از فعالیت‌های اجرایی این هنرمند در عرصه موسیقی است.

تالیف کتاب «موسیقی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب جمهوری اسلامی ایران» و چاپ چندین مقاله علمی پژوهشی در حوزه موسیقی نیز از کارهای مکتوب آریان‌پور به حساب می‌آید.

ساخت موسیقی متن و موسیقی برای کودکان در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آغاز کرد. این هنرمند در ادامه موفق به دریافت جایزه آهنگسازی از سیزدهمین جشنواره موسیقی فجر شد.

عمده فعالیت میترا بصیری در آموزش پیانو متمرکز بود و در این زمینه شاگردان زیادی را در عرصه نوازندگی پرورش داد. او همچنین دارای مدرک فوق لیسانس در رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی ایرانی و عضو کانون آهنگسازان سینمای ایران وابسته به خانه سینما بود.

۲۹ اردیبهشت؛ درگذشت خنیاگر اسطوره‌ای

موسیقی خراسان

عثمان محمدپرست استاد پیشکسوت و دوتار نواز معروف کشور و استان خراسان رضوی پنجشنبه بیست و نهم اردیبهشت ماه در سن ۹۴ سالگی در بیمارستان ۲۲ بهمن شهر خواف به دیار باقی شتافت.



این استاد شاخص موسیقی سنتی کشور از ۱۰ سالگی با دوتارنوازی مأنوس بود و آثار مطرح و معروف مختلفی شامل چاوشی و سرحدی از خود به یادگار گذشته و در همایش‌ها و آئین‌های مختلف در داخل و خارج کشور به اجرای برنامه پرداخته است.

نام مرحوم محمدپرست به عنوان گنجینه زنده بشری در زمینه موسیقی مقامی در میراث فرهنگی ناملموس کشور طی سنوات گذشته به ثبت رسید.

۲۹ اردیبهشت؛ درگذشت یک نوازنده در سن ۳۸

سالگی

احمدرضا اسماعیلی از هنرمندان و مدرسان جوان عرصه آهنگسازی، نوازندگی سنتور و تعلیم موسیقی روز پنجشنبه سی‌ام اردیبهشت ماه در سن سی و هشت سالگی درگذشت.



این هنرمند سیزدهم تیرماه ۱۳۶۳ در تهران زاده و از ۱۰ سالگی و با نواختن سنتور نزد مصطفی طراح، موسیقی را آغاز کرد و پس از آن در محضر استادانی چون محمد علایی، مسعود شناسا، پشنگ کامکار، اردوان کامکار و نصرالله ناصح پور به تکمیل دانسته‌های خود در زمینه موسیقی ایرانی پرداخت.

وی فارغ التحصیل کارشناسی موسیقی ایرانی از دانشگاه هنر بود و پس از آن با رتبه اول آزمون کارشناسی ارشد در رشته‌های نوازندگی موسیقی ایرانی و آهنگسازی وارد دانشگاه تهران شد و

۱۲ مرداد، درگذشت بزرگ خاندان عرصه سازسازی ایرانی

ابراهیم قنبری مهر استاد پیشکسوت سازسازی و شاگرد ابوالحسن صبا روز جمعه بیست و یکم مرداد ماه در سن ۹۴ سالگی دار فانی را وداع گفت. این هنرمند ۱۰ مردادماه امسال تولد ۹۴ سالگی خود را جشن گرفته بود.



ابراهیم قنبری مهر ۱۱ مرداد سال ۱۳۰۷ در تهران به دنیا آمد. آشنایی او با استاد ابوالحسن صبا راه تازه‌ای را برای آشنایی هرچه بیشتر با موسیقی علمی برای وی باز کرد و از تجربیات نوازندگی و داشته‌های ارزشمند استاد صبا بهره جست و با پیشنهاد او، به ساخت و تعمیرات سازهای ایرانی و غربی روی آورد. قنبری مهر سپس به عنوان نخستین اعضای کارگاه ساز سازی وزارت فرهنگ و هنر در سال ۱۳۳۴ شروع به فعالیت کرد. او شاگردان بسیاری را در عرصه ساز سازی تربیت کرد که هر کدام نقش بسزایی در بالا بردن سطح کیفی سازهای ایرانی ایفا کردند.

از آموزش و پرورش بازنشسته شد از سال ۴۶ تا ۵۶ در رادیو فعالیت داشت و سرپرست گروه رادیو اصفهان بود.

۶ آذر؛ درگذشت پیشکسوت موسیقی قزوین

محسن حسین آفروش از اساتید برجسته موسیقی سنتی در استان قزوین دار فانی را وداع گفت. این هنرمند که از اساتید برجسته موسیقی سنتی در استان قزوین محسوب می‌شود در دوره نوجوانی از محضر اساتید بزرگی همچون علی‌اکبرخان شهنازی و هوشنگ



ظریف بهره برده بود.

مرحوم آفروش که متولد ۱۳۳۲ بود با اساتید به نامی همچون مرحوم شاپور نیاکان، مرحوم دکتر حسین عمومی، محمدرضا شجریان، اکبر گلپایگانی، رامبد صدید، مرحوم ناصر فرهنگ‌فر، پرویز مشکاتیان، مرحوم ایرج بسطامی و در برنامه‌های بسیاری همکاری داشت.

۱۶ آذر؛ صدای انقلابی خاموش شد

اسفندیار قره باغی ملقب به «صدای انقلاب» و خواننده سرود معروف «امریکا آمریکا»، روز شانزدهم آذر ماه در سن ۷۹ سالگی به دلیل بیماری درگذشت



اسفندیار قره باغی اول بهمن ماه سال ۱۳۲۲ در شهر تبریز محله مقصودیه، کوچه قره باغی متولد شد. پدرش قلی خان سالار از مالکین آذربایجان با آشنایی به هفت زبان و از طنز پردازان مشهور بود. او در مناسبت‌های مختلف همکاری‌های بسیاری با ارکستر سمفونیک داشته و مدتی به عنوان رهبر گروه کر تالار وحدت و زمانی به عنوان مؤسس و رهبری گروه کر صدا و سیما فعالیت داشته و می‌توان گفت که حدود ۴۵ سال معلمی را بر هر گونه فعالیت دیگر ترجیح داد. اولین اپرای رادیویی آن مرحوم در سال ۱۳۵۰ (سرودای ایران) است که با همکاری ارکستر بزرگ (رادیو تلویزیون ملی ایران) با رهبری فرهاد فخرالدینی انجام گرفت؛ آهنگساز این سرود مرحوم روح اله خالقی و شعر آن از زنده یاد حسین گل گلاب می‌باشد.

سرودای ایران را قبلاً استاد بنان با پیانو و به صورت ترانه اجرا کرده بود که قره باغی برای اولین بار این کار را با مارش نظامی اجرا کرد.

۲۵ مهر؛ ستوده موسیقی اصفهان درگذشت

نعمت‌الله ستوده، هنرمند پیشکسوت موسیقی و نوازنده نی و سه‌تار و سرپرست سابق گروه رادیو اصفهان روز دوشنبه ۲۵ مهر ماه به دلیل بیماری و کهولت سن فوت کرد. سید نعمت‌الله ستوده یکم فروردین ماه سال ۱۳۲۰ خورشیدی در شهر اصفهان متولد شد. او تحصیلات



ابتدایی و متوسطه و مقطع لیسانس دانشگاهی را در زادگاه خود اصفهان به پایان برد و سپس در سال ۱۳۴۱ برای تحصیل در مقطع فوق لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی به تهران آمد و هم‌زمان موسیقی را آغاز کرد. او ابتدا به نواختن نی روی آورد و بعد از آن برای فراگیری و نواختن سنتور و فلوت نزد ایرج طاهری رفت و هم‌زمان به مشق سه‌تار نزد احمد عبادی پرداخت. سپس در محضر عبدالحسین خان برارنده ردیف‌های موسیقی اصیل ایرانی را روی نی پیاده کرد.

وی مدتی نیز از حضور نصرالله خان زرین پنجه بهره برد و در سال ۱۳۴۶ با حسن کسائی آشنا شد و از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۵۷ در خدمت حسن کسائی و جلال‌الدین تاج اصفهانی تدریس موسیقی اصیل و سنتی ایران را در مرکز فرهنگی رادیو و تلویزیون اصفهان به عهده داشت. این هنرمند فقید که سال ۱۳۷۲

۲۰ آذر؛ درگذشت یک نوازنده پیشکسوت

ویولنسل

داود جعفری امید از هنرمندان پیشکسوت موسیقی کشورمان که عمده فعالیت‌های وی در حوزه نوازندگی ویولنسل متمرکز بود روز یکشنبه بیستم آذر ماه در سن نود و سه سالگی دار فانی را وداع گفت.



داود جعفری امید در سال ۱۳۰۸ در تهران متولد شد. وی پس از پایان تحصیلات ابتدایی وارد دبیرستان رازی شد اما در سال دوم دبیرستان با تشویق‌های علی محمد خادم میثاق که از دوستان پدرش بود به هنرستان عالی موسیقی به مدیریت پرویز محمود راه یافت. این هنرمند در هنرستان ساز ویولنسل را به عنوان ساز تخصصی خود انتخاب کرد و نوازندگی این ساز را تحت نظر میس خوتسیف آموخت. از دیگر استادان او در هنرستان موسیقی می‌توان به سورن آراکلیان نیز اشاره داشت.

فرماندهی موزیک تیپ رشت، همکاری با ارکستر سمفونیک تهران، همکاری با ارکسترهای مختلف رادیو، تدریس در هنرستان عالی موسیقی، تدریس در هنرستان موسیقی ملی و داوری جشنواره موسیقی جوان از جمله فعالیت‌های این هنرمند در عرصه‌های اجرایی بود.

۲۶ آذر؛ یک سازنده ساز دار فانی را وداع گفت

سیداسماعیل ابطحی خوزانی از هنرمندان پیشکسوت عرصه سازسازی روز شنبه بیست و ششم آذرماه در سن ۶۹ سالگی دار فانی را وداع گفت.



سیداسماعیل ابطحی ملقب به حجت فرزند ابراهیم، به سال ۱۳۳۹ خورشیدی در تهران متولد شد. او از همان ابتدای کودکی به موسیقی و حرفه سازگری علاقمند بود و برای فراگیری ساختن سه‌تار، نزد هنرمندانی مثل امیرعطایی و مرادی رفت و فن سازسازی را از ایشان آموخت. پس از چندی نزد استاد حسین مسعود رفت و مدت سه سال در خدمت این استاد کار کرد و در ادامه عمر خود را صرف ساخت ساز کرد.

۲۳ دی؛ درگذشت یک استاد دهل نواز در سکوت

خبری

محمد علی دلپذیر استاد دهل تربت جام و یکی از ذخایر

موسیقی منطقه شرق خراسان روز بیست و سوم دی ماه در سکوت خبری دار فانی را وداع گفت.

علی مغازه پژوهشگر موسیقی نواحی درباره این استاد نوشت: محمدعلی دلپذیر استاد دهل تربت جام و یکی از ذخایر موسیقی منطقه شرق خراسان با اتصال به ریشه‌های باستانی موسیقی منطقه، بدون تردید



منبع سرشار و لایزال ریتم‌ها و دوره‌های موسیقی شرق خراسان محسوب می‌شد.

او که صاحب یک صدای شیوا و مسلط به یک گونه آوازی خواص هم بود، دهل نواز بزرگی بود که در سختی زیست و با سختی دنیا را رها کرد.

۲ دی؛ درگذشت سوسن سپهری

سوسن سپهری از کودکی به خواندن و حفظ اشعار علاقه داشت و در دوران تحصیل (متوسطه - عالی) در مسابقات آواز شرکت می‌کرد و مقام‌هایی نیز کسب نمود. در سن ۱۷ سالگی فراگیری آواز را نزد شاپور رحیمی آغاز کرد. سپس در سال



۱۳۵۹ در مرکز چاووش (مکتب میرزا عبدالله) نزد شهرام ناظری به فراگیری ردیف آوازی ادامه داد. پس از وقفه‌ای حدود دوازده سال، به فراگیری آواز نزد استادانی بزرگی هم‌چون محسن کرامتی، دکتر حسین عمومی و رضا اصغری ادامه داد. مدت هشت سال نزد دکتر حسین عمومی به یادگیری تلفیق شعر و آواز و آوازخوانی به سبک و شیوه‌ی مکتب اصفهان مشغول شد. ردیف آوازی مکتب اصفهان و راه‌گردانی در آواز (مرکب‌خوانی) را نزد رضا اصغری آموخت. در تمامی این سال‌ها به تدریس آواز (ردیف)، تصنیف‌خوانی، همراهی ساز و آواز در هنرستان موسیقی دختران، دانشگاه علمی‌کاربردی و آموزشگاه‌های موسیقی مشغول بود. در کنار تدریس آواز، به تحقیق و تفحص در زمینه‌ی شاهنامه‌ی فردوسی نیز علاقه‌مند بود و نزد استاد دکتر فریدون جنیدی به مطالعات زیادی در این باب پرداخت و همین منجر به برگزاری دوره‌ها و جلسات شاهنامه‌خوانی توسط وی شد. از سایر فعالیت‌های وی می‌توان به اجرای کنسرت با گروه‌هایی از جمله قمر، دلشدگان، مهرنوا و سمین سپهر اشاره کرد. او پس پنج سال مبارزه‌ی شجاعانه با بیماری سرطان، در زمستان ۱۴۰۱ درگذشت.

۲۷ دی؛ درگذشت نوازنده ویولن و آهنگساز

پیشکسوت



علی اکبرپور اسطخچی یکی از هنرمندان پیشکسوت موسیقی کشورمان روز سه شنبه بیست و هفتم دی ماه در سن ۸۸ سالگی دارفانی را وداع گفت.

علی اکبرپور اسطخچی معروف به علی اکبرپور مدرک درجه یک هنری داشت و سال ۱۳۱۳ در روستای سیاه اسطخ (از توابع خشک بیجار رشت) متولد شد. تحصیلات ابتدایی خود را در شهر رشت سپری کرد. اولین استاد او در فراگیری ساز ویولن موسیو پرواند بود. از سن ۱۳ یا ۱۴ سالگی در «راديو بی سیم» رشت به اجرای ویولن می‌پرداخت. از دیگر استادان او می‌توان به کیهان دیوان بیگی و رکن‌الدین نژند اشاره کرد. در سال‌های جوانی یک ارکستر تشکیل داد که در راديو رشت به اجرای موسیقی می‌پرداخت و «غلامحسین بنان» در سال ۱۳۳۴ با آن ارکستر برنامه داشته است. این هنرمند فقید در آن ایام با خوانندگانی همچون ناصر مسعودی، فانی، نادر گلچین و فریدون پوررضا به عنوان آهنگساز، رهبر ارکستر و نوازنده همکاری می‌کرد.

گیشه دمرده (براساس حکایت مشهور گیلکی)، قطعه میرزا کوچک‌خان (با صدای ناصر مسعودی)، سوئیت «دوره‌گرد قصه‌گو»، ترانه ساقی (با صدای مازیار)، تصنیف‌های «شهادت وطن» و «بلند آسمان» از آثار او محسوب می‌شوند.

۲ بهمن؛ درگذشت پژوهشگر موسیقی



ابوالحسن مختاباد، پژوهشگر موسیقی و از روزنامه نگاران سرشناس حوزه موسیقی شامگاه دوم بهمن ماه بر اثر سکته قلبی دارفانی را وداع گفت. مختاباد در تابستان سال ۱۳۷۲ به کار در نشریه مشغول شد. بهمن همان سال با کار در بولتن جشنواره تئاتر فجر،

کار حرفه‌ای خود را آغاز کرد و سپس در بهار سال ۱۳۷۳، به عنوان عضو تحریریه روزنامه همشهری و همشهری آنلاین وارد این روزنامه شد و تا همین اواخر با این روزنامه و تعداد دیگری از رسانه‌ها همکاری داشت.

مختاباد فعالیت صنفی در حوزه موسیقی را با انتخاب به عنوان بازرس کانون پژوهشگران خانه موسیقی در سال ۸۱ آغاز کرد و سپس در کنار سردبیری نشریه خبری این نهاد، در دوره‌های بعد به عنوان عضو (۱۳۸۳-۱۳۸۵)، نایب رئیس (۱۳۸۵-۱۳۸۷) و رئیس هیئت مدیره (۱۳۸۷-۱۳۸۹) این کانون انتخاب شد. او موسیقی را با یادگیری آواز در سال‌های اولیه دهه هفتاد

نزد کریم صالح عظیمی آغاز کرد و در ادامه مدتی نزد سید نورالدین رضوی سروسستانی ردیف آموخت و نیز شیوه آوازی طاهرزاده به روایت نورعلی خان برومند را نیز نزد حمیدرضا نوربخش فرا گرفت. ضمن آنکه چند مدتی هم نزد کمال‌الدین عباسی ردیف آوازی را فرا گرفت. در این مدت آموزه‌های آوازی و صداسازی را با برادرش سید عبدالحسین مختاباد استمرار داد و سلفز و تئوری موسیقی را نزد محسن الهامیان و نواختن سه تار را هم برای مدتی کوتاه نزد حمید سکوتی، رضا موسوی‌زاده، پیمان سلطانی و بهداد بابایی آموخت.

۱۶ اسفند؛ چهره سرشناس فرهنگ و هنر بلوچ

خاموش شد

خلیفه شاهمیر بلوچ مالدار از هنرمندان پیشکسوت موسیقی منطقه بلوچستان و یکی از بن‌زگان و نوادر فرهنگ و هنر بلوچ در مکران روز سه شنبه شانزدهم اسفند ماه دارفانی را وداع گفت.



خلیفه شاهمیر بلوچ مالدار دهه‌ها سال در جنوب بلوچستان، در شرق چابهار و سواحل شمالی دریای مکران قدیم یا عمان کنونی، مراسم تسخیرزدایی را اجرا کرد و هزاران بیمار اسیر یا در تسخیر باد یا همان زار را که در بلوچستان «گوات» به معنای باد و «گواتی» به معنای بیمار اسیر باد نامیده می‌شود مداوا کرد. این هنرمند صاحب نام و شناخته شده موسیقی بلوچستان با رهبر توار یا مجموعه کم‌نظیری از ذکرهای خود به همراه سرور یا سرود یا همان قیچک و تمبورک و همراهی چایی‌ها و همخوانان، گاه چند شب متوالی برای رهایی بیمار از باد به اجرای مراسم ذکر گواتی می‌پرداخت

۱۷ اسفند؛ درگذشت یک خواننده معروف گیلانی

سعید تحویل‌داری خواننده فولکلوریک استان گیلان که آلبوم سنگ صبور را در کارنامه دارد، چهره در نقاب خاک کشید.



زنده‌یاد تحویل‌داری متولد سال ۱۳۲۸ اهل رشت بود. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا به مدت ۲۵ سال ممنوع‌الکار بود و در نهایت، سال ۱۳۸۲ آلبوم سنگ صبور را با مجوز ارشاد تولید و ارائه کرد. از محبوب‌ترین ترانه‌های گیلکی تحویل‌داری، ترانه «سبیه چومه» است. آشنایی تحویل‌داری با «شبنم فومنی» از گیلکی‌سرایان زمینه‌ساز چند اثر از جمله «آشویون چوبی»، «زخمی»، «مره خیلی دوست‌بدار» و «همه حرفات دروغ بود» شد. او سال ۱۳۸۲ با آلبوم «سنگ صبور» به دنیای هنری بازگشت. تحویل‌داری از آن زمان به تناوب با صداوسیمای مرکز گیلان همکاری کرد.

اخبار موسیقی

اخبار و اتفاقات خانه موسیقی ایران در فصل زمستان

و صنایع دستی تشکیل شد و در این جلسه علاوه بر چندین پرونده در حوزه میراث فرهنگی ناملوس دو پرونده نیز که مربوط به حوزه موسیقی نواحی ایران هستند؛ در فهرست ملی میراث فرهنگی ناملوس به ثبت رسیدند.



پیش از این ترانه دایه دایه با صدای استاد رضا سقایی در فهرست آثار فاخر موسیقی ایران قرار گرفته بود.

این میان خبر زلزله در شهر خوی و آسیب بسیار زیاد این بلای طبیعی تمام چشم‌ها را به سمت این شهر چرخاند و اندوه مردم ایران را دو صد چندان کرد. هنرمندانی با اجرای کنسرت و تقدیم تمام عواید مالی به زلزله زدگان و یا حضور در نمایشگاه‌های متعدد حمایت خود را از مردم خوی اعلام کردند.



مانند استاد شهرام ناظری که با هدف حمایت از زلزله زدگان شهر خوی در آیین اختتامیه نمایشگاه نقاشی «موج‌های خفته»

سال ۱۴۰۱ برای اهالی موسیقی سالی پرکار و پر رونق نبود. به دلیل التهابات اجتماعی از اوایل پاییز تا انتهای سال بسیاری از اجراهای موسیقی لغو شد و هنرمندان عمدتاً جز تدریس فعالیتی نداشتند. اما در همین شرایط هم خبرهایی متفاوت گه گاه به گوش می‌رسید...

در بهمن ماه و در جلسه هیئت مدیره خانه موسیقی ایران موضوع ضرورت رفع ممنوعیت آواز خوانی زنان مطرح شد



اعضا هیئت مدیره خانه موسیقی ایران در جلسه روز یکشنبه ۲ بهمن ماه اعلام کردند که موضوع آواز خوانی زنان در برنامه‌های رسمی موسیقی را با جدیت پیگیری می‌کنند. در ادامه جلسه و پیرو مطالبات مطرح شده در سال‌های گذشته پیرامون موضوع آزادسازی آواز زنان و مشارکت همیشگی این قشر از هنرمندان در برنامه‌های فرهنگی و هنری با توجه به تحولات اجتماعی اعضا هیئت مدیره خانه موسیقی خواستار تغییر نگاه مدیران و متولیان امر شده و به جد خواهان حضور زنان در برنامه‌های رسمی موسیقی در ایران شدند.

اندکی بعد خبر رسید ترانه لری «دایه دایه وقت جنگه» در فهرست میراث ناملوس یونسکو به ثبت رسیده است.

جلسه کارشناسی شورای ملی ثبت آثار میراث فرهنگی ناملوس در اداره کل ثبت و حریم آثار، حفظ و احیای میراث فرهنگی ناملوس و طبیعی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری

اجراهای دوره چهارم برگزار نشده است. به دلیل اتفاقات اخیر و بنا به درخواست شرکت کنندگان، تمامی اجراهای دوره چهارم به سال آینده یعنی سال ۱۴۰۲ موکول شده و قرار است اجراهای دوره چهارم و پنجم به صورت همزمان در تابستان سال ۱۴۰۲ برگزار شود. دبیر جشنواره سراسری امیر جاهد گفت: تلاش می‌کنیم نتایج اولیه پنجمین دوره این جشنواره در اردیبهشت ماه سال آینده اعلام شود و کلیه اجراها در تابستان در معرض دید مخاطبان قرار گیرد.

وی افزود: در دوره پنجم این رویداد محدودیتی برای اجرای سازهای مختلف نیست و متقاضیان ابتدا باید آیین نامه جشنواره را به دقت مطالعه کنند و تمام مدارک را به دبیرخانه جشنواره ارسال نمایند.

و اما از میان کانون‌های دهگانه خانه موسیقی ایران، کانون پژوهشگران به عنوان کانون برتر سال ۱۴۰۱ معرفی شد.



در آخرین جلسه هیئت مدیره خانه موسیقی ایران در سال ۱۴۰۱ که روز سه شنبه ۲۳ اسفند ماه برگزار شد کانون پژوهشگران خانه موسیقی به عنوان کانون برگزیده در سال جاری انتخاب شد.

لازم به ذکر است در ابتدای سال جاری هیئت مدیره خانه موسیقی ایران مصوب کرد در پایان سال بهترین کانون که بیشترین فعالیت در یک سال را دارد معرفی شود و بعد از بررسی عملکرد کانون‌های خانه موسیقی، کانون پژوهشگران به عنوان فعال‌ترین کانون سال ۱۴۰۱ معرفی شد.

همچنین در آخرین جلسه هیئت مدیره خانه موسیقی ایران اعلام شد که سال آینده کلیه برنامه‌های خانه موسیقی از سر گرفته می‌شود. برنامه‌هایی مانند برپایی دوسالانه آلبوم و کتاب موسیقی و یا جشن خانه موسیقی و سایر برنامه‌ها.

حضور پیدا کرد و عواید حاصل از فروش آثار این نمایشگاه به هموطنانمان در خوی اختصاص پیدا کرد.

در اسفندماه خانه هنرمندان ایران اقدام به برپایی سلسله نشست‌هایی با عنوان بازیابی کرد که در هشتمین دوره این نشست‌ها با عنوان «مداخله نهادهای هنری در صورت‌بندی امروز و فردا» میزبان مدیران اصناف هنری یعنی حمیدرضا نوربخش، مدیرعامل خانه موسیقی، ایرج راد مدیرعامل خانه تئاتر و محمد مهدی عسگر پور به نمایندگی از خانه سینما بود.



در روزهایی نزدیک به پایان سال اعلام شد که ثبت نام در جشنواره موسیقی امیرجاهد تا ۲۵ اسفند ماه تمدید شده است.



مهدی مساح بیدگلی، دبیر جشنواره سراسری موسیقی امیرجاهد از تمدید این رویداد تا ۲۵ اسفندماه در بخش‌های دونوازی، گروه نوازی و پژوهش خبر داد.

مهدی مساح بیدگلی با اعلام تمدید ثبت نام ده روزه این رویداد گفت: پنجمین دوره جشنواره سراسری موسیقی امیرجاهد در شرایطی شروع می‌شود که به دلیل التهابات اخیر در کشور هنوز

پژوهشگران، فعال‌ترین کانون کانون منتخب خانه موسیقی در سال ۱۴۰۱ معرفی شد



از میان کانون‌های دهگانه خانه موسیقی ایران، کانون پژوهشگران به عنوان کانون برتر سال ۱۴۰۱ معرفی شد.

به گزارش خانه موسیقی ایران، در آخرین جلسه هیئت مدیره خانه موسیقی در سال ۱۴۰۱ که روز سه‌شنبه ۲۳ اسفند ماه برگزار شد کانون پژوهشگران خانه موسیقی به عنوان کانون برگزیده در سال جاری انتخاب شد.

لازم به ذکر است در ابتدای سال جاری هیئت مدیره خانه موسیقی ایران مصوب کرد در پایان سال بهترین کانون که بیشترین فعالیت در یک سال را دارد معرفی شود و بعد از بررسی عملکرد کانون‌های خانه موسیقی، کانون پژوهشگران به عنوان فعال‌ترین کانون سال ۱۴۰۱ معرفی شد.

اعضای هیئت مدیره این کانون عبارتند از بهروز وجدانی، حمیدرضا اردلان، حمیدرضا عاطفی، امیرعباس ستایشگر و بهروز مبصری
خانه موسیقی ایران به تک‌تک اعضا این کانون تبریک گفته و امید که پویایی در تمام کانون‌های خانه موسیقی برقرار باشد.

